

مشی عمومی سیاسی کنونی چیست؟..... صفحه ۵	در جنبش جهانی کمونیستی..... صفحه ۱۶
کیفیت بیانیه نظری و عملی کمونیستی..... صفحه ۶	در مورد ظهور انحصار های
ضرورت دفاع طبقه کارگر	کشور های استعمار نوین- (قسمت دوم)..... صفحه ۱۶
از حقوق پامال شده کودکان..... صفحه ۷	هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
زنان و ورزش..... صفحه ۱۰	هم ره نا اهل خود گردد ز نیش!..... صفحه ۱۶

محکم به دست نگر فتن مبارزه به معنای اصلا به دست نگر فتن است!

توافق اتحادیه اروپا بر سر سیاست پناهنده پذیری

این اتحادیه در شرایطی که از نظر دست یابی به نیروی ارزان پناه جو از سه قاره ی آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، اساسا تامین شده و در عین حال برای نشان دادن خود به مثابه قاره ای که به مشکلات جانی، مالی و انسانی حقوق بشر «معتقدند»، به جلوگیری از ورود افسارگسیخته ی پناه جویان برآمده اند. «رؤسا و رهبران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در نشست بروکسل پنجشنبه ۲۸ ژوئن (۷ تیر) توافق کردند که در اتحادیه اروپا مراکز محصور برای پذیرش اولیه پناهجویان بقیه در صفحه چهارم

به خاطر دست یابی آسان میلیاردها تومان توسط جناحی، که تا حد پیشنهاد کناره گیری دولت محافظه کار روحانی از یک سو و پیشنهاد به دست گرفتن نیروی نظامی از جانب گرداننده گانی از سپاه پاسداران، نمونه دیگری از رشد این تضاد بین حاکمان می باشد. با حرکت امپریالیسم آمریکا در خروج از توافق نامه برجام و به راه انداختن تحریمها که مشخصا حتا خروج شرکتهای انحصاری چندملیتی به دلیل بقیه در صفحه دوم

تضاد و رقابت در درون حاکمان جمهوری اسلامی، بین اصول گرایان و محافظه کاران هر روز که می گذرد شدت می یابد. تصمیم دولت باتعین قیمت ۴۲۰۰ تومان برای یک دلار با خرید مافیای اقتصادی ایران در ابعاد وسیع صدها و شاید هزاران میلیون دلار به قیمت دولتی و سپس فروش این دلارها به قیمت بیش از ۲ برابر و بالاتر از ۸۰۰۰ تومان، سیر صعودی آن تا ۱۰۰۰۰ تومان در حرکت است. این واقعه نشانی است در تعمیق تضاد در میان هیئت حاکمه ایران

باید به طبقه کارگر ایران بالید

اردوغان و حکومت مطلقه اش

انتخابات ترکیه برگزار شد. و اردوغان مجددا به ریاست جمهوری ترکیه برگزیده شد. در حالیکه برخی مخالفین قبل از انتخابات دستگیر و روانه زندان شده بودند. اردوغان و حزب آک پارتی فرزندان خلف حزب توسعه ترکیه هستند که به عنوان یک حزب اسلامی وظیفه خود را تبدیل ترکیه آتاتورکی به ترکیه اسلامی و یا بهتر بگوئیم ترکیه ناسیونال به ترکیه اسلامی می دانستند که در این راه البته با پشتیبانی غرب به موفقیت هائی هم نایل آمدند. اگر در گذشته نظامیان ترکیه این قدرت را داشتند که خط قرمز های خود یعنی ترکیه سکولار را با کودتا پشتیبانی کنند، اما در دو دهه گذشته نه تنها این قدرت را از دست دادند و آنرا به آک پارتی منتقل کرده بودند، بلکه کودتا اخیرشان با سرکوب شدید و پلیسی ناسیونال اسلامیست های تازه به قدرت رسیده مواجه شد. جنگ های چند بقیه در صفحه چهارم

تحولی قرار دارد. هر چند استبداد خشن حکومت جمهوری اسلامی مانع شکل گیری تشکلات مستقل سراسری طبقاتی و سرمایه ستیز توده ای کارگری شده است، اما هسته های این تشکلات در درون مراکز کار و تولید و در نبردی سخت با صاحبان سرمایه شکل گرفته است و هر روز با پیوند با جنبش کمونیستی و کارگری برای ایجاد حزب سیاسی انقلابی خود شرایط برای ایجاد تشکل متحد و سراسری مساعد تر می شود. تجربه تاریخی در انقلابات جهانی و ایران نشان میدهد طبقه کارگر هنگامی می تواند به وظائف انقلابی خود جامه عمل پوشاند که حزب طراز نوین پرولتری را در پیشاپیش صفوف خود بوجود آورد. شرایط برای ایجاد چنین حزبی که وظیفه ایست مبرم و ضروری هر روز بهتر می شود چه در جریان مبارزات عملی، اعتراضات و اعتصابات هر روز بقیه در صفحه دوم

از دیماه پنجاه و شش تا به امروز اعتصابات، اعتراضات و راهپیمائی های کارگران، بازنشستگان و معلمان همچنان ادامه دارد و هر روز متحد تر و گسترده تر در سراسر ایران به چشم می خورد. اعتصاب عظیم و متحد را تندگان کامیون ها و کامیون داران باز هم بیشتر بر قدرت توفنده ی اعتصابات کارگری افزوده است. با توجه به بیش از صد سال مبارزه ی آن برای ایجاد تشکل های سیاسی و صنفی خود امروز دیگر شعار «چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است» به عمومی ترین شعار تبدیل شده است. امروز می توان گفت طبقه کارگر ایران دیگر بپا خاسته و می رود به یک نیروی آگاه انقلابی با برنامه ای سوسیالیستی برای رهبری جنبش عظیم توده ای گرسنه گان تبدیل شود. جامعه ایران آستن تغییر و تحول بنیادی و از پایین است و طبقه کارگر در مرکز چنین

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



تکراری باید آماده گی انقلابی به وجود آورد در بستر حزبی، تشکلهای متحد کارگری و اتحاد جنبشهای مختلف توده ای.

ک.ابراهیم

۸ تیر ۱۳۹۷ (۲۹ ژوئن ۲۰۱۸)



باید به طبقه کارگر ایران بالید
بقیه از صفحه اول

پیشروان و فعالان کارگری شکل می گیرند و ما در این سال ها شاهد این روند مهم در هدایت و سمت دادن به آنها بوده ایم. برخلاف آنچه عده ای تصویری کنند جنبش های اجتماعی در ایران فاقد پیشروان و فعالان سیاسی و عملی است باید بدانند آنها هستند که در شرایط خفقان، سرکوب و به شدت استبدادی راهکار مناسب ماندن در محل کار و زیست را برای فعالیت مداوم و مستمر آموخته و در پیش گرفته اند. این زیر بنا و پی ساختمان تشکل، بامنش انقلابی در جهت خود سازمان یابی توده ای کارگری و اجتماعی قوی تر و فراگیرتر می شود. با توجه به جایگاه و موقعیت جنبش کارگری به عنوان بخش پیشرو در جنبشهای اجتماعی، جا دارد تمام فعالان، پیشروان، سوسیالیست ها، کمونیست ها و برابری طلبان انرژی و توان خود را در جهت تقویت و پیشرفت جنبش موجود و هموار کردن مسیر شکل گیری حزب پیشناز طبقه کارگر بکار گیرند. این امر میرم جزیا اتحاد، همگرایی و همدلی در عمل تا یکی شدن بر اساس اصول و برنامه میسر نخواهد شد.

صد و پنجاه سال پیش که مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست اعلام کرد ند اروپا را شیخ کمونیسم فرا گرفته است امروز می توان گفت شیخ جنبش میلیونی کارگری ایران آسمان پر آشوب جامعه را سرا سر پو شانده است. پائینی ها دیگر سلطه جمهوری اسلامی را نمی خواهند و بالایی ها درمانده و فرومانده شده اند. کار به جایی رسیده که بار دیگر امپریالیستها در برابر خیزش عظیم توده ای کنونی همچون سال پنجاه و هفت، برای جلو گیری از گسترش و سمت سوسیالیستی گرفتنش در پی جا نشینی حاکمان نوینی وابسته به سرمایه داری جهانی و امپریالیسم هستند. همانطور که در اواسط قرن نوزدهم تمام مرتجعان اروپا از پاپ گرفته تا پادشاهان و شاهزادگان با تمام تضاد هائی که باهم داشتند علیه جنبش کمونیستی متحد

ارادان به قطع و وصل کردن اب سد نمرود مقابل فرمانداری گرمسار

۶- تجمع کارگران پروژه راهسازی قزوین - کلاچای مقابل استانداری قزوین
۷- تجمع بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران مقابل استانداری خوزستان

۸- تجمع بیش از ۵۰ کارگر شاغل در بخش های فضای سبز و سازمان آتش نشانی آبادان مقابل ساختمان شهرداری این شهر

۹- تجمع گروهی از نانوایان نان لوآش قم مقابل اتحادیه نانوایان این استان،

۱۰- تجمع شماری از انبوه سازان مسکن مهر پردیس مقابل ساختمان مرکزی بانک مسکن
۱۱- تجمع گروهی از دانشجویان پذیرفته شده در مقطع کارشناسی ارشد و دستیاری پزشکی مقابل مجلس برگزار شده است.

خوزستان رتبه اول اعتراض در کشور؛ ۹۰۰ تجمع در یک سال

یوسفی عضو مجمع نمایندگان خوزستان در مجلس: "استان خوزستان با ۹۰۰ مورد تحصن در یک سال گذشته رتبه اول تجمعات در کشور را دارد که حرف مشترک همه این تجمعات، ضعف مدیریت مسائل در استان است".

ضمن این که به این حرکت های مثبت بازو به بازو در صف مبارزه علیه تجاوزات افسارگسیخته ی حاکمان، دفاع کرد، باید تاکید نمود که این حرکت مشترک اعتراضی نه در حد تجمع ۱۱ واحد کاری بلکه باید در صدها و هزاران میدان کار و زحمت ادامه یافته و تبدیل به اعتصابات و اعتراضات سراسری شده و براندازی این نظام نکبت حاکم کنونی استثمارگر و ستمگر را رقم بزنند. ما در مرحله ای از تاریخ کشورمان زنده گی می کنیم که حاکمان قادر به تامین حکم خود بر توده های وسیع کشور نیستند و حرکت های اعتراضی در سراسر ایران جریان می یابد. جدائی و نفرت توده ها نسبت به این حاکمان الدنگ در حدی است که از دیدن روی آنان بیزارند و بدین ترتیب دو شرط مناسب حاکمان نمی توانند حکومت کنند و توده های مردم نیز از آنان بیزارند. اما گرفتاری در آن جا است که هنوز رهبری صالح آگاه، مورد قبول توده ها به وجود نیامده و به این اعتبار حرکت متحد و منسجم و امید بخشی که با قیام توده ای و براندازی حاکمان مستبد خادم نظام سرمایه داری و مرتجع همانند انقلابات مشروطیت ۱۲۸۵ و انقلاب بهمن ۱۳۵۷ پیروزی انقلاب برای بارسوم به دشمنان طبقه کارگر و زحمتکشان دو دستی تقدیم نشود. برای جلوگیری از این فاجعه ی

محکم به دست نگر فتن...
بقیه از صفحه اول

تحریم از سرمایه گذاری در ایران، عدم فروش هواپیماهای مسافربری بوئینگ از جانب آمریکا با فسخ فروش این هواپیماها، بازی بانکهای اروپائی در حدی که حتا تحت عنوان کنترل پول شوئی به امتناع از بازکردن حساب بانکی دانشجویان از جمله در کشورهای اسپانیا، فرانسه و آلمان شروع کرده اند. اعمال فشار از جانب کشورهای امپریالیستی و مرتجع منطقه و در این میان اعلام حسن روحانی در بوجود آمدن مشکلات اقتصادی بالارفتن قیمت ها و تورم بازم بیشتر، همه و همه حکم می کند که توده های کارگر و زحمتکش و نیروهای سیاسی آزادی خواه و ضد نظام حاکم جمهوری اسلامی خادم نظام سرمایه داری وحشی فاشیستی، باید عزم خود را در براندازی این نظام و برقراری قدرت کارگری و نظام سوسیالیستی هرچه بیشتر جزم کنند. شیشه ی عمر این نظام فاسد ضد بشر آزادیخواه در گرو متحد و یک پارچه شدن در برابر تفرقه های نظام سرمایه داری متعفن داخلی و خارجی است و باید برای برقراری سوسیالیسم از صحنه ی ایرانی آزاد و شکوفان این تفرقه ها به زیر کشیده شوند.

در این ارتباط خبری اخیرا در مورد "برگزاری حداقل ۱۱ تجمع اعتراضی در روز ۲۲ خرداد ۱۳۹۷" نشان حرکت مثبتی در این راستا می باشد.

خبرها و گزارش های منتشره نشان می دهد که در ۲۴ ساعت اخیر حداقل یازده تجمع اعتراضی برگزار شده است. وزن اصلی و برجسته اعتراضات مربوط به کارگران، زحمتکشان و مزدبگیران است. اما خبرها نشان می دهد که برپایی تجمع به عنوان شکلی از اعتراض برای مطالبات بی پاسخ یا اعتراض به سیاست ها و تصمیمات حاکمیت در میان سایر بخش های جامعه صورت می گیرد.

در ۲۴ ساعت اخیر:

- ۱- تجمع کارگران گروه ملی فولاد در مقابل استانداری برای هشتمین روز متوالی
- ۲- تجمع اعتراضی مهندسين مقابل وزارت راه و شهر سازی
- ۳- تجمع و تحصن کارکنان بیمارستان خمینی در کرج برای دومین روز متوالی
- ۴- تجمع اعتراضی مقابل فرمانداری همدان در چند مرکز خرید کالاهای ضروری در اعتراض به گرانی کالاها و کاهش فزاینده قدرت خرید مردم و افزایش مالیات
- ۵- تجمع و اعتراض کشاورزان گرمسار و

علیه شکنجه ، علیه اعدام



شده بودند امروز هم در ایران ما علیه طبقه کارگر نمایندگان کلیه رژیم های ارتجاعی و امپریالیستی با تمام تضادهایی که با هم دارند صف آرائی کرده اند. کاسه لیسان ایرانی ترامپیستی در پی رژیم چنچ اند و سرکردگان جنایتکار اصولی گرا و اصلاح طلب رژیم جمهوری اسلامی در پی نجات خود. تنها پرولتاریا و متحدان گرداگرد این طبقه اند که برای ایرانی بدور از سلطه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم امروز پرچم انقلابی را به پیش می برند.

بورژواها و پرولتاریا در جنگی طبقاتی این بار در سرزمین اولین امپراتوری برده داری جهان صف آرائی کرده اند، اینبار بردگان مدرن این گورکنان نظام سرمایه داری، میروند که به امپراتوری اسلامی و خلیفه گری خاتمه داده و در عمل به پوچ بودن تئوری های نئولیبرالیسم «پایان تاریخ» و نوکان ها «جنگ تمدن ها» پا سخی دندان شکن دهند. گردش روزگار، بحران ساختاری سرمایه، رشد تضاد های امپریالیستی و قدرت های محلی، قی کردن بورژوازی فربه شده ی اروپا و آمریکای شمالی و رسوبات چرک و خون پنجه های سرمایه داری جهانی در این جوامع از یکسو و بیش از شش دهه مبارزه ی سخت، بغرنج با پیچ وخم زیاد کمونیستها و نیروهای آزادی خواه ایران از کودتای ۲۸ مرداد سی و دو علیه ارتجاع داخلی، مبارزات دامنه دار طبقه کارگر و توده های مردم ستم دیده ی دیگر کشور های منطقه از سوی دیگر دامنه انقلابات جهانی را در عمل به منطقه ی استراتژیکی خاور میانه گسترش داده است و ایران را در این جهان پر آشوب به نقطه ی حاد تضاد ها تبدیل کرده است.

اقبالی بس تاریخی به طبقه کارگر ایران رو آورده، همانطور که صد سال پیش چنین وضعی برای کارگران روسیه بوجود آمد. امروز طبقه کارگر ایران نقش تعیین کننده ای را برای بریدن حلقه منحوس سلطه ی سرمایه جهانی پیدا کرده است. درک این موضوع و پی بردن به این وضع تغییر یافته اوضاع، نقش بسیار مهمی در رشد جنبش چپ و کمونیستی ایران دارد. امروز در یافتن نقش طبقه کارگر ایران و تشریح اوضاع تغییر یافته یکی از وظایف مهم کمونیست هاست که در هر قدم عملی و تاکتیکی باید در نظر بگیرند.

اوضاع اکنون با اوضاع سال های پیش از خیزش ۵۶ و ۵۷ تفاوت بسیار دارد. برجسته ترین عامل تغییر یافته مبارزه ی مستمر طبقه ایست که بیش از پانزده میلیون

شده و همراه معلمان و پرستاران و کارمندان رتبه پایین اداری به بیست میلیون رسیده اند. این طبقه در این سال ها قطره قطره خون جگر خورده، ریزه ریزه به در خواست هایش افزوده، در مبارزات روزمره قدم به قدم تجربه بدست آورده، افتاده اما برخاسته، شلاق خورده اما نهرا سیده بلکه آبدیده شده و بر نفرت اش از سرمایه داری رژیم جمهوری اسلامی و استبداد قرون وسطائی حامی آن افزوده است. همبستگی طبقاتی و مبارزه برای وحدت و تشکیلات مستقل در نبرد های روزانه علیه اوباشان سرمایه دار و اراذل حاکمیت، شکنجه گران و زندان بانان به اندیشه ی عمومی پیشروان و فعالان کارگری تبدیل شده است. این طبقه بهترین فرزانش را در جنگ خانمانسوز ایران و عراق قربانی کرده است و با پوست و گوشتش چاق و فربه شدن حاکمان دزد و سرمایه داران وابسته به سپاه پاسداران این محافظان سرما یه را لمس کرده است. این طبقه برای بدست آوردن حق تشکل و ایجاد سازمان های خود هزاران فعال خود را به میدان آورده که صد ها نفر آنها به زندان و شکنجه محکوم شده اند. امروز پرچم سرخ شاهرخ زمانی ها، کورش بخشنده ها که تا آخرین سنگر جنگیدند و جان خود را فدا کردند همچنان در اهتزاز است و میروند که به پرچم سرخ همگانی طبقه کارگر تبدیل شود. جنبش دی ماه و ادامه اعتراضات توده ای با توجه به سقوط ارزش ریال، طغیان بی رویه تورم و بی شک رکود باز هم بیشتر اقتصاد ایران که خط فقر پنجاه درصدی مردم را ارتقا می دهد، همچنان گسترش خواهد یافت. این شکاف عظیم اجتماعی، فقر و فلاکت میلیونی کوه عظیمی از مطالبه را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار داده است که تنها با براندازی آن و جایگزینی اش با حکومتی از کارگران و پابرهنگان قابل دسترسی است.

استقبال پر شکوه کمونیست ها، سوسیالیست ها و نیروهای دمکرات و آزادی خواه از نمایندگان کارگران ایران رضا شهابی، داود رضوی و نماینده معلمان لقمان ویسی در اروپا نشان بارزی بود از عظمت بدست آمده ی این طبقه. امروز هیچ سیاستی را بدون دخالت دادن طبقه کارگر ایران نمی توان پیاده کرد، هیچ سازمان چپ و کمونیستی واقعی را نمی توان یافت که سر به طبقه کارگر ایران نداشته باشد و وفاداری خود را به این طبقه اعلام نکرده باشد. بگذار توطئه ی کودتا را بریزند یا شایعه کنند، بگذار خامنه ای و خاتمی پنهانی ملاقات کنند

و بار دیگر دست در دست هم بگذارند، بگذار روحانی جهان را به بسن تنگه هرمز تهدید کند، بگذار کاخ سفید نمایندگانش را نه به دیدار خمینی به دیدار مریم رجوی در پاریس بفرستد، شبح طبقه کارگر ایران جامعه ایران را فرا گرفته است و تنها بدیل برای رهائی، آزادی و برابری و استقلال بدیل کارگری است.

نیروی طبقه کارگر ایران دیگر شکست ناپذیر است و میروند با ایجاد حزب انقلابی خود، باگسترش و سازماندهی تشکلات طبقاتی خود و هدایت اتحادی بزرگتر و وسیعتر از توده ها و اقشار و گروه های اجتماعی که خواهان سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی هستند به بدیل واقعی اجتماعی برای تغییر بنیادی جامعه تبدیل شود.

امروز همه راه ها برای یک تغییر واقعی بسود اکثریت عظیم مردم ایران به طبقه کارگر ختم می شود و تنها این طبقه است که می تواند نه به اعدام بگوید، به ستم ملی موجود نقطه پایان گذارد، به نابرابری زن و مرد و هرگونه تبیض جنسیتی خاتمه دهد، دین را از سلطه حاکمیت به زیر کشد و به امر خصوصی افراد تبدیل نماید.

امروز رشد و تکامل ویکی شدن کمونیست ها و در نتیجه براندازی فرقه گرائی موجود و برای نوسازی دیالکتیکی خود در مسیر پیوند با طبقه کارگر تحقق پذیر است.

امروز رشد گروه ها و دسته های مردمی، کلیه جنبشهای توده ای تنها در پیوند با جنبش طبقه کارگر میسر بوده و شکست ناپذیر خواهند شد.

طبقه کارگر و جنبش های توده ای سهم بزرگ تاریخی خود را در تحت شرایط سرکوب و استبداد اسلامی به بهترین وجه ممکن به ثمر رسانده اند، این کمونیستها هستند که باید با نوسازی خود، با دست برداشتن از فرقه گرائی و نخبه پروری، با دست برداشتن از غلو کردن در نقش گروه های خود و لم دادن روی مدال هایشان، با برخورد نقادانه به گذشته جنبش جهانی و ایران و مبارزه ی همه جانبه ایدئولوژیکی با انحرافات و اشتباهات، متواضعانه به در خواست اساسی طبقه کارگر و نمایندگان آن پاسخ مثبت دهند. آنها تاکید می کنند شعار وحدت و تشکیلات را به پرچم یکی کردن خود تبدیل کنید و در این زمینه گام بردارید. باید به این ندای آنها پاسخ مثبت داد.

محسن رضوانی

۲۰۱۸/۷/۱۶





اردوغان و ... بقیه از صفحه اول

دهه گذشته در خاورمیانه و بهره گیری از هرج و مرج بوجود آمده که ترکیه به مثابه عصای دست غرب تا حدی در آنها مداخله گر بود توانست تا حدی اقتصاد ترکیه را احیا کند و آنرا به یکی از اقتصادهای در حال رشد دنیا تبدیل کند. در این راستا با اینکه با جنبش خلق کرد بصورت وحشیانه رفتار کرد و باعث آوارگی و کشتار هزاران نفر کرد در کردستان ترکیه، سوریه و عراق شد ولی باعث چاق و چله شدن بورژوازی ترک گردید و توانست پشتیبانی آنها را جلب کند. در همین راستا کشورهای غربی برای مداخله در کشورهای خاورمیانه دست ترکیه را برای بلند پروازی ها و بازگشت به دوران امپراتوری های عثمانی که پایه تفکرات بورژوازی هژمونیک ترکیه را تشکیل می داد باز گذاشتند و دخالت ترکیه در عراق و سوریه بصورت تائید آمیزی با سکوت برگزار کردند. اما شکست سیاست های غرب در برخی زمینه ها در خاورمیانه و ترکیه و نیز حضور روسیه و خالی کردن پشت ترکیه در پی آمدهای شکست و درگیری بر سر سقوط هواپیمای نظامی روسیه، باعث شد که ترکیه در حضور قدرت های رقیب در خاورمیانه امکان قدرت مانورهای سیاسی، نظامی و اقتصادی مشخصی را پیدا کند و خود را از وضعیت گذشته که در بست در قطب غرب بود خلاص کند. سیاست بین دو صندلی نشستن ترکیه در رقابت های جهانی امکان فروپاشی اقتصادیش را توسط غرب بسیار ضعیف کرده و غرب را وا داشته است که با ترکیه با احتیاط بیشتری رفتار کند. تا جلوی گرایش جدید ترکیه بسوی شرق و روسیه را بگیرد که این فضایی را برای دولت اردوغان بوجود آورده است که بتواند مخالفین خود را بدون توجه به پی آمدهای جهانی آن سرکوب کند. پیروزی اردوغان به مفهوم ادامه سیاست های گذشته و گرایش به مطلقه کردن حکومت فردی است.

کردستان به مثابه یک موضوع جدی در برابر دولت اردوغان قرار گرفته است، جنبش کردستان ترکیه و سوریه که ارتباط نزدیکی با هم دارند و مقاومت تا پای جان در روژاوا و در کوبانی و چه در عفرین مشکلات عدیده ای را برای دولت ترکیه بوجود آورده است بویژه که اخیرا نزدیکی هایی بین نیروهای کردستان سوریه و آمریکا بوجود آمده است. مسئله دیگر موضوع آزادی های سیاسی و قدرت دولتی

با صدای کریه شیپور دموکراتیک بودن و احترام به حقوق بشر شنیده می شود، باید افشا نمود و نشان داد که این کشورها حاضر به مخالفت با جنگ طلبی و شرکت نکردن در آنها نیستند و به این ترتیب به قول یک کمونیست آفریقائی از آفریقا حتا تعداد آواره گان پناهنده گی به جائی رسیده است که نیروی جوان آفریقائی را به کشورهای متروپل اروپائی منتقل می شوند. درحالی که این نیروی جوان را از اندیشه ی شرکت در تغییر وضع فلاکت بار کشورهای آفریقائی خودی به دور می کشانند و وابسته گی این کشور ها مثل شرایط گذشته استعماری در شرایط جدید تداوم می یابد.

مبارزه علیه جنگ افروزی امپریالیستی در این کشورها و اعلام ضرورت هرچه وسیعتر توده ها به میدان مبارزه ی طبقه کارگر و احزاب راستین کمونیست، تنها راه نجات این نیروی عظیم تکه تکه شده است تا دنیای آزادی با انقلاب کردن و گام گذاشتن در سوسیالیسمی که متعلق به بیش از ۹۰ درصد ساکنان هر کشور می باشد، به این نحوست ازدیاد پناهنده گی نقطه ی پایانی گذاشته شود.

هیئت تحریریه

تیر ماه ۱۳۹۷



با قدردانی از کمکهای
مالی رفقا و دوستان
به حزب ذکر این
نکته را ضروری
می دانیم که تکیه
ی حزب به اعضاء
وتوده ها در پیشبرد
مبارزه طبقاتی،
روشی انقلابی و
پرولتاریائی است
در حفظ استقلال
سازمانی و جدا
نشدن از طبقه کارگر
وتوده ها

توافق اتحادیه اروپا.. بقیه از صفحه اول

نجات یافته از قایق های دریای مدیترانه بنا شود. به گزارش خبرگزاری آلمان به نقل از محافل دیپلماتیک، این اردوگاه ها باید در کشورهای تأسیس شود که داوطلبانه آمادگی خود را برای همکاری در این زمینه اعلام می کنند. این پناهجویان سپس میان کشورهایی تقسیم خواهند شد که در این زمینه اعلام آمادگی کرده اند. هنوز روشن نیست کدام کشورها حاضر به این کار خواهند شد. تأسیس اردوگاه هایی در کشورهای آفریقائی شمالی با هدف کاهش تمایل پناهجویان برای ورود به اروپا از طریق دریای مدیترانه توافق دیگری است که در نشست بروکسل به دست آمده است. اگر چه این درخواست تا کنون از سوی کشورهای مورد نظر رد شده است. (به نقل از صدای آلمان ۲۹ ژوئن ۲۰۱۸)

در هیچ یک از این نشستها، که علل اصلی سرچشمه ی بروز پناهنده گی در چیست اشاره نشده و چاره ی پایان دادن به این پدیده ی ضد انسانی نزدیک به ۷۰ میلیون نفر انسان فراری از دست اعدام، سرکوب، فقر، جنگ که هزاران نفر در دریاها غرق می شوند، در اردوگاه های پناهنده گی دست به خودکشی می زنند. و یا در صورت پذیرفته شدن پناهنده گان، سیاست های فاشیستی خارجی ستیزی و اوج گیری های ناسیونالیستی به آتش کشیدن خانه های پناهنده گان، اسلام ستیزی و غیره، زمینه را برای سرکوب و مطیع سازی بدون چون و چرا در این قاره که با چپاول منابع کشورهای پیرامونی عقب مانده چه از زمان استعمارکهن و چه در استعمار نو کنونی بهره مند شده اند، جریان می یابد.

جنگهایی که در سه قاره فوق بروز می کنند، بدون رقابت کشورهای امپریالیستی در حمایت از جناحی از بورژوازی این کشورها جهت دست یافتن به تبدیل این کشورها به حیظه ی نفوذ خود نمی باشد که باعث آواره گی، دربه دری و فرار از میدانهای جنگ می شوند. اما فروش بازارهای داغ اسلحه های تولید شده توسط کشورهای امپریالیستی، نه تنها میلیونها انسانهای کشورهای جنگ زده را به مرگ و ناقص عضو شدن تبدیل می کنند، بلکه صنایع اسلحه سازی کشورهای خود را پر رونق می سازند تا بر بحر آنها مالی - اقتصادی پایان بخشند.

بدین ترتیب، افشای پناهنده سازی و پناهنده پذیری این کشورهای امپریالیستی را که

پناهندگان نیروی کار ارزان جهان هستند



اوضاع و وظایف کنونی کمونیستها

است که اردوغان قصد تمرکز بصورت فردی و مطلقه آنرا دارد. نتایج تهاجم و سیاست قلدرمنشانه اردوغان در موضوعات ذکر شده به سرکوب، بحران اجتماعی و گسترش فقر در ترکیه خواهد انجامید. اردوغان نماینده مشترک پان ترکیسم و اسلام دولتی در ترکیه است که تجربیات جمهوری اسلامی ایران در بی حقوقی انسان در جامعه ترکیه را به خدمت گرفته است. اردوغان نماینده آن طبقه اجتماعی بی آینده ای است که می خواهد با توسل به سرکوب و بند بازی در عرصه سیاست بین المللی برای خود و طبقه بی هویتش، آینده ای و استمرار را رقم بزند که مدتها جنبش چپ و سوسیالیستی و طبقه کارگر آنرا با مبارزات خود بی آینده کرده است. زندان های ترکیه امروز فقط از نیروهای "کودتاگ" نیست که پر است بلکه هزاران کارمند، مستخدم، کارگر، ارتشی و روشنفکران و کمونیست ها به بدترین وضع در زندان ها به بند کشیده شده اند. اردوغان این دشمن کارگران و زحمتکشان و کمونیست ها اگر چه مورد توجه بورژوازی ترکیه است، اما سرنوشتی بهتر از همه دیکتاتورهای جهان سومی نخواهد داشت. یا سازش و تسلیم و ضدیت و سرکوب و کشت و کشتار کارگران و کمونیست ها و دخالت امپریالیست ها و ویرانی ترکیه و یا صورت دیگر قضیه سرنوشتی انقلابی دولتش توسط انقلاب اجتماعی و آزادی نه تنها طبقه کارگر بلکه همه انسان های آزادیخواه و مبارز ترکیه.



باتوجه به دو تضاد عمده نظری و سازمان یابی، نظرات متضاد خط مشی سازمانیابی کمونیستها در رسیدن به وحدت تشکلهای موجود عبارتند از:

کم بها دادن به حزب سازی در رهبری انقلاب و تکیه به « مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک »؛

نفی حزب سازی و تکیه بر حرکت شورائی مبارزات کارگران؛

بخش قابل ملاحظه ای از منفردین کمونیست که به موضع و طرح مشخصی در ایجاد حزب نرسیده اند؛

بی تفاوتی به ضرورت حزب سازی از جانب تشکلهائی که به علت حزب کمونیست نامیدن خود، امر حزب سازی را پایان یافته می دانند؛

اعتقاد به پلورالیسم سیاسی - تشکیلاتی کمونیستها به علت گرایشات مختلف موجود در میان طبقه کارگر و حتا بعد از پیروزی انقلاب سوسیالیستی تا اوم موجودیت آنها؛

اعتقاد به امر حزب سازی با حرکت از حفظ تشکلهای فعلی موجود در عین همکاری و یا ایجاد هیئت مسئولین مرکب از نیروهای مختلف در پیشبردن برخی وظایف کمونیستی برای رسیدن به وحدت حزبی؛

وحدت بر اساس رهنمود اصول کمونیسم علمی و توافق روی نکات اساسی برنامه و تاکتیک در هر مرحله ای از شکل سازی در خدمت به امر مبرم حزب سازی - یکی شدن و پایان دادن به تشکلهای مستقل - برای مقابله با فرقه گرائی مخرب عمده کنونی و غلبه بر خرده کاریهای مضر؛

حزب رنجبران ایران

در تلاش برای ایجاد حزب کمونیست ایران وحدت گام به گام کمونیستها بر اساس پلاتفرم واحد زیردر یک شکل طبق رهنمود موفق کمونیسم علمی در عمل را به دست گرفته است:

(۱) - اگر جهان بینی ماتریالیستی - دیالکتیکی و ماتریالیسم - تاریخی را قبول داریم؛

(۲) - اگر ایران را کشوری سرمایه داری تحت نظام جمهوری اسلامی کنونی دانسته و انجام انقلاب و استقرار دیکتاتوری پرولتاریائی و نظام شورائی سوسیالیستی را در دستور مبارزه کمونیستها می دانیم؛

(۳) - اگر قبول داریم که طبقه کارگر ایران بزرگترین طبقه را تشکیل می دهد و تنها

مالکیتش نیروی کار یدی و فکری است که در عرصه ی تولیدی و خدماتی فعالیت می کنند و همراه با زحمتکشان بیش از ۸۰٪ جامعه ایران را تشکیل می دهد؛

(۴) - در شرایطی که جنبش مطالباتی طبقه کارگر و حرکت سیاسی بخشی از کارگران کمونیست جریان دارد و پیوند کمونیستهای متشکل با جنبش کارگری و توده ای امری ضروری است؛

(۵) - باتوجه به این که جنبشهای توده ای اعم از کارگری، زنان، دانشجویی، بازنشسته گان، پرستاران، هنرمندان، ملل تحت ستم و بخشی از نویسندگان و روزنامه نگاران و اقلیتهای مذهبی علیه حاکمان کنونی تداوم دارند تنها در وحدت با جنبش طبقه کارگر قادر به روبیدن نظام سرمایه داری می باشند و نقش پیشرو خواهند داشت؛

(۶) - از آنجا که به علت عمده بودن فرقه گرائی ناشی از نفوذ مواضع خودمردمگرایی و نخبه گرائی خرده بورژوائی و بورژوائی در زمینه ی سازمان یابی طبقه کارگر و زحمت کشان در میان بخشی از مدعیان کمونیست شیوع داده شده و شدیداً به ضعف تشکیلاتی کمونیستها انجامیده، برای درهم شکستن این طرز تفکر و عمل باید متحداً مبارزه کرد؛

(۷) - انترناسیونالیسم طبقه کارگر و حزب سیاسی پیشرو جهانی آن باید پیوسته از شعار «کارگران همه ی کشورها، متحد شوید» در هر کشور و در جهان پیروی کرده و تحقق یابد؛

(۸) - موضع کلیه ی فعالیتهای اجتماعی کمونیستها باید متکی بر آموختن از رهنمودهای کمونیسم علمی، وفادار ماندن به آنها و در نظر گرفتن وضعیت هر کشور باشد. در این صورت باید با وحدت روی اصول تئوریک و نکات اساسی برنامه و تاکتیک در براندازی این نظام فاسد سرمایه داری در پیوند فشرده با طبقه کارگر به مثابه استخوان بندی تشکیلات کمونیستی متکی بر مرکزیت دموکراتیک به ایجاد حزب واحد انقلابی کمونیست ایران مشترکاً و متحداً تلاش کنیم و جداسری را محکوم نمائیم؛

(۹) - با انحرافات دکماتیستی، لیبرالیستی، اپورتونیستی، انحلال طلبی، رفرمیستی، اکونومیستی و رویزیونیستی راست و چپ مرزبندی داشته و باید قاطعانه مبارزه کرد. در آن صورت عمده فعالیت کمونیستها باید در خشک کردن ریشه های تشننت نظری رویزیونیستی و فرقه گرائی از طریق متحدشدن و رساندن آن به نقطه ی عطف

کارگران جهان متحد شوید



ایجادحزب کمونیست، به مثابه امری میرم، محکم به دست گیرند؛

۱۰-) باتوجه به این که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله، استثمار و ستم توسط اقلیت حاکم در هرکشور پایه برقراری این نظام متکی بر قهر و ایجاد از خودبیگانگی در میان انسانهاست و سلب این مالکیت هدف نهائی مبارزه طبقاتی انسانهای در خدمت تولید و رهائی انسانها می باشد، محکم، استوار، مصمم و منضبط در ساختمان سوسیالیسم تا به آخر، در تحقق آن بکوشیم؛

۱۱-) بنابراین، طبقه کارگر هم اکنون در جهان و در ایران به دلیل اینکه تنها مالکیتش نیروی کار دست و فکر است، پیشروترین طبقه جوامع است، برای ایجاد جهانی بدون مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله، بدون استثمار و ستم، از بین بردن از خودبیگانگی انسانها در برقراری دیکتاتوری پرولتاریا و حکومت شورائی و سوسیالیسم و تامین برابری انسانها از نظر حقوق اجتماعی و ادامه انقلاب تا به آخرمسئولیت خطیری در رهائی بشریت از دست طبقات ارتجاعی دارد؛

۱۲-) درتغییر این نظام جهان سرمایه داری به شدت ناعادلانه و بنیادا فاسد استثمارگر و سرکوبگر، انقلاب کارگری نیاز به رهبری حزب کمونیست پیشرو خود دارد، تا سازماندهی این مبارزه سیاسی - نظامی را در برابر دولتهای ارتجاعی سازمان یافته با نیروهای مسلح ارتش، پلیس، پلیس مخفی، زندان و شکنجه گر و دستگاه قضائی خدمتگزار درکشور خود و هم چنین در مبارزه با ارتجاع جهانی با در دست داشتن امکانات وسیع کشور از نظر مالی، نظامی، تسلیحاتی، تبلیغاتی و غیره در تحقق این تغییر پیروز مندانه عمل کند؛

۱۳-) به این منظور، طبقه کارگرنیز با داشتن حزب با اتوریته آگاه، صاحب برنامه مبارزاتی درست، جلب هرچه بیشتر توده های سرکوب شده به زیر پرچم مبارزاتی خود، می تواند این هدف رهائی بخش خویش را از طریق مبارزات تاکتیکی و استراتژیکی با موضع «از توده ها به توده ها» متحقق سازد؛

۱۴-) در این راستا کمونیستها باید از کلیه ی مبارزات مطالباتی توده ها، داشتن کار، آموزش رایگان، مبارزه با مردسالاری، حق تامین امنیت بهداشتی، حق سازمان یابی مستقل توده ها، مبارزه برای تحقق آزادی بیان و تشکل و دیگر خواسته های توده ای، پشتیبانی کرده و در عرصه های مبارزات تاکتیکی جهت پیش روی به سوی

استراتژی براندازی نظام سرمایه داری، از جمله وظایف رهبری مبارزاتی اجتناب ناپذیر کمونیستها در تحقق هرچه بیشتر این خواستها می باشد.

۱۵-) تحلیل از جامعه طبقاتی ایران، تعیین دوستان و دشمنان مبارزه طبقاتی کارگران و زحمت کشان و در این راستا در هر مرحله ای از مبارزات، تعیین دوستان و دشمنان عمده و غیر عمده، با تغییر اوضاع هشجاری در تعیین تاکتیکها و شعارهای مشخص، تنها ضامن حرکت آگاهانه و موفقیت آمیز به پیش می باشد تا دچار انحرافات مختلف نشویم.

حزب رنجبران ایران
۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۷
(برابر با ۱۸ مه ۲۰۱۸)



کیفیت بیانیه نظری و عملی کمونیستی

این روزها از جانب تشکلهای مدعی کمونیست بودن، بیانیه هائی صادر می شوند که بیشتر جنبه ی خودمرکزبینی ارائه ی خط سیاسی درست روز را دارند، تا کیفیت واقعی بیانیه ی کمونیستی که متعلق به تشکلی که در قامت حزب کمونیست راستین طبقه کارگر در هرکشور باشد.

"مانیفست حزب کمونیست" ۱۸۴۸، علیرغم گذشت ۱۷۰ سال از تاریخ انتشار آن، هنوز الهام بخش و آموزنده است که با در نظر گرفتن "نقد مبانی اقتصادی، سیاسی و فلسفی نظام سرمایه داری"، با "نقد برنامه گوتا"، "چه باید کرد؟"، "یک گام به پیش، دوگام به پس"، "دولت و انقلاب"، "بیماری کودکانه چپ روی در کمونیسم"، "انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد"، "اقتصاد و سیاست در دوران دیکتاتوری پرولتاریا"، "امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله ی سرمایه داری"، "درباره پراتیک و تضاد" و صدها آموزش دیگر در مورد تحلیل و پیشبرد مبارزه ی طبقاتی مبانی بیانیه هائی باید قرار بگیرند که وظیفه ی اجتناب ناپذیر کمونیستها در بیانیه نویسی را دارند.

در عین حال، با توجه به تغییر و تحولات اوضاع کنونی و حرکت در مسیر آگاهانه به پیش، از نظر درجه ی اهمیت و درک منطقی و عملی از آنها نه در ذهنی گریها، بلکه در اتکاء به تئوری عظیم جنبش کارگری

و رهائی از جهان از خود بیگانه شده با توجه به اوضاع کنونی به تلفیق تئوری با پراتیک شرایط مشخص هرکشور صورت بگیرند. یافتن چنین کیفیتی منوط بر آنست که این بیانیه ها چنان انسجامی داشته باشند که طبقه کارگر و توده های زحمت کش صحت آنها را در جهت رهائی خویش بیابند. بدین منظور نکات اساسی زیر در دست یابی به بیانیه کمونیستی تلفیق یافته با شرایط مشخص است که هویت می یابد:

۱-) تعهد به رهنمودهای کمونیسم علمی با پشتوانه ی نزدیک به ۲۰۰ سال مبارزات آگاهانه ی موفقیت آمیزی که با فداکاری کمونیستهای کارگر و غیرکارگر رار گرفته در موضع کارگری به دست آمده است؛ طفره روی از این رهنمودها و دامن زدن به آشفته فکریهای نظری و عملی به عاریت گرفته شده از بورژوازی و خرده بورژوازی در پافشاری روی از خود بیگانه گی ها، فردگرائی ها، فرقه گرائی ها جز دامن زدن به سرگیجه ی دورهم پیچیدن در گرداب مخوف مبارزه طبقاتی بی رحم، نتیجه ی منفی و شکست به بار نخواهد آورد.

۲-) براندازی نظام جهانی سرمایه داری، جهت گذار به سوسیالیسم، بدون ایجاد حزب کمونیست واحد انقلابی آگاه، متحد، منسجم و مبارزدر پیوند فشرده با اکثریت عظیم طبقه کارگر و توده های زحمت کش در هر کشور و تلاش به سازمانیابی تشکلهای توده ای کارگری سراسری و زحمت کشان، اولین رهنمود در امر رهبری انقلاب کارگری و عملی ساختن آن در پایان دادن به تفسیرهای مغشوش مسائل جهانی و کشوری و قدم گذاشتن در نابود ساختن جامعه طبقاتی و رهائی از سلطه ی نظام سرمایه داری، است.

۳-) اما تحقق مجدانه ی این رهنمودها در هرکشور و درجهان، با سدهای مخرب طبقات استثمارگر و ستمگر، که مانع از حرکت پر قدرت طبقه کارگر و زحمت کشان به مثابه اکثریت عظیم مردم، با توسل به اغفال و سرکوب روبه رومی گردند. در این ارتباط، بارسنگین عادات و سنن ارتجاعی گذشته، تفکرات ایده آلیستی نظیر ذهنیگری، یک جانبه گری، الگوبرداری، جزم باوری، در عرصه های اقتصادی و سیاسی به صورتهای اپورتونیستی، رویزیونیستی، انحلال طلبی، فرقه گرائی، رفرمیستی، اکونومیستی پایچ حرکت مقتدرانه ی کارگران و زحمت کشان می شوند. بدون مقابله با این عوامل مخرب، پیروزی مبارزات طبقاتی آگاهانه، امکان پذیر نیست. دست یابی به این کیفیت باید

زدوبند های امپریالیستی را افشا کنیم



پيوسته در مدنظر باشد.

۴- برای فائق آمدن بر مشکلات موجود در مبارزه طبقاتی، رهنمود مشخص کمونیسم علمی در حزب سازی و متشکل شدن پیشروان آگاه طبقه کارگر و کمونیستها بر اساس وحدت روی اصول کمونیستی و نکات اساسی برنامه و تاکتیک مبارزه در براندازی نظام سرمایه داری و پیشبرد هماهنگ در حل اختلافات درون حزبی در تصمیم گیریها از طریق به کارگرفتن دقیق مرکزیت - دموکراتیک، سیاستها و پیش بردن وحدت نظری و عملی اکثریت اعضای حزبی با قدرت تامین می شود. چنین حزبی شایسته نوشتن بیانیه کمونیستی را در کشور خویش دارد که تزه های آوریل ۱۹۱۷ لنینی حزب بلشویک روسیه نمونه ای از آن است.

۵- امروز با وجود احزاب مختلفی به نام "حزب کمونیست"، بدون وفاداری به ۴ نکته فوق، بدون پیوند فشرده با طبقه کارگر، بدون این که از پشتیبانی پیشروان کمونیست طبقه کارگر نظیر زنده یاد شاهرخ زمانی برخوردار باشند، خود را تنها حزب طبقه کارگر معرفی می کنند. بدین ترتیب، رواج دادن فرقه گرایی ضد کمونیستی و ضدحزبی شدیدی را، بر پایه خود مرکز بینی، با صدور بیانیه های التقاطی غیردیالکتیکی به خود بزرگ بینی می پردازند. مبارزه با این ویروس ضد کمونیستی تنها درگرو آن بخش از کارگران و روشنفکران کمونیست است که در ایجاد حزب واحد کمونیستی انقلابی پیشقدم شده و ملزومات ایجاد حزب را در حدی که دربالا آمد با ارائه ی برنامه حزبی و جلب تشکلهای و افراد کمونیست مفرد فراهم سازند. از این طریق است که با تشکیل اولین کنگره ی حزب کمونیست واحد انقلابی معضل تشکل یابی کمونیستی را تحقق خواهند بخشید.

۶- هم اکنون بسیاری از خواستهای فوری و مبرم کارگران و زحمت کشان در اعلامیه ها و اعتصابات و اعتراضات جنبشهای کارگری، معلمان، زنان، حمل و نقل کننده گان انسانها و کالاهای دانشجویان، خواستهای ملی سرکوب شده، دفاع از حفظ محیط زیست و غیره مطرح شده اند. دفاع از این خواسته ها و وظیفه ی تخطی ناپذیر کمونیستها می باشد. ولی تحقق واقعی این خواستها و تدقیق آنها بدون انجام انقلاب کارگری به مثابه قاطع ترین گسست از دنیای طبقاتی متکی بر نظام سرمایه داری کنونی، ممکن نیست. از جمله:

- ایجاد کشوری سکولار و قطع دخالت دین

از دولت و آموزش و پرورش و قوه قضائیه؛
- پایان یافتن استبداد سیاسی بدون پایان دادن به نظام مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله؛
- پایان دادن نهائی به نظام مردسالارانه و ستم بر زن؛
- پایان دادن به جنگهای طبقاتی ناعادلانه، و تحمیلی نظام سرمایه داری؛
- از بین بردن فقر و بیکاری و آواره گی در کشورهای متکی بر استثمار و ستم طبقاتی؛
- از بین بردن ستمگری ملی و احترام به حقوق ملیتهای تحت ستم و رهائی آنان؛
- جلوگیری از تخریب محیط زیست؛
- تامین آموزش و پرورش، بهداشت و بیمه رایگان عمومی؛
- از بین بردن نظام استثمار و ستم گری و تبعیضها در اشکال مختلف؛

- از بین بردن رقابتهای، نخبه گراییها و فردگراییها و از خودبیگانه گی مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله؛
- تحقق ۶ ساعت کار در روز و تبدیل کار به یک نیاز انسانی و نه اجبار تحلیل بردن نیروی انسانها؛
- ایجاد جهانی متعلق به کل بشریت با برابری حقوقهای اجتماعی و بدون تمایز و تبعیضها و توجه به تواناییها.

ذکر این نکات مهم در تحقق آنها در بیانیه ها، منوط به وجود یک حزب کمونیست مورد اعتماد اکثریت عظیم توده ها از طریق انقلاب پیروز کارگری ممکن می گردد.
۷- بدین ترتیب، نظام سرمایه داری در شرایط کنونی، با به کارگیری تمام نیروی ضدکارگری و ضد انسانی همراه با لطایف الحیلها در ایجاد مشکلات در مقابل حرکت رسیدن به آگاهی هرچه وسیعتر کارگران و زحمت کشان یا فشاری می کند. لذا، از جمله مبارزه با "فرقه گرایی" و سوزاندن ریشه های طبقاتی آن و درعین حال نقد "گرد آمدن همه باهم" سوسیالیستها، که مجددا مد روز شده دو دیدگاه مخربی هستند که مبارزه نظری طبقاتی حاد را عالما و عامدا به فراموشی می سپارند و باید قاطعانه مردود دانست. حفظ فرقه ها و گردهم آمدنهای متعدد این سوسیالیستها، بارها با شکست و تلاشی همراه شده اند.

تنها بدیل موجود انقلابی قطب بندی واحد کمونیستی است که در درجه اول در آگاه کردن انسانهای متمایل به کمونیسم علمی، یعنی وحدت پیشروان جنبش کارگری، در داشتن یک حزب با تئوریت و مورد قبول کارگران، زمینه را برای انجام انقلاب کارگری و برقراری سوسیالیسم ممکن

می سازد. امتناع از این ضرورت مبرم روز، امتناع از وفاداری دریپاده کردن رهنمودهای کمونیسم علمی در عمل، که نهایتا در امتناع از ایجاد رهبری حزب کمونیست واحد انقلابی در هر کشور تبلور می یابد، رهائی بشریت در ایجاد جهان آزاد و آباد و شکوفا بدون زورگویی و ستمگری و استثمار انسان از انسان، به معنای دعوت انسانها به گشت و گذار در سرباهای ایجاد شده توسط بورژوازی و خرده بورژوازی نمی باشد که به دوام حاکمیت این طبقه و افسار ضد کمونیستی کمک می کند.

حزب رنجبران ایران

اول تیرماه ۱۳۹۷

به مناسبت بزرگداشت ۹۸ مین سالگرد ایجاد حزب کمونیست ایران - اول تیر ماه ۱۳۹۹ و به منظور طرد فرقه گراییهای ضد کمونیستی امروز



ضرورت دفاع طبقه کارگر از حقوق پامال شده کودکان

با توجه به این که بیش از ۸۰٪ کودکان متعلق به خانواده های کارگر و زحمت کش هستند، این نو نهالان با بی مهری و برخورد فاشیستی نظام سرمایه داری حاکم در ایران رو به رو یند، که آینده ی زیبایی در ایران نداشته و ایجاد زندگی پر از فقر و فاقه، بدون نشاط و سلامتی و آموزش و پرورش متعالی، دفاع از کودکان در شرایط کنونی، از وظایف تخطی ناپذیر نه تنها کارگران و زحمت کشان، بلکه وظیفه ی کلیه نیروهای سیاسی آزادی خواه و مترقی نیز می باشد. اخبار دلخراشی که رژیم جمهوری اسلامی نوکر سرمایه داران از زندگی نکبت بار غیر انسانی و جهنمی به کودکان تحمیل کرده است، ایجاب می کند که صدای اعتراض و مبارزه ی قاطعی علیه این رفتار وحشیانه ی حاکم بر کودکان، باید روز به روز بلند تر و رساتر شده و دست درازان حاکم و نوکران سرمایه قسی القلب نسبت به زندگی حقیر و درعسرت کودکان به میز محاکمه توده های کار و زحمت کشیده شوند:

- ۱۵۱ هزار و ۴۶ دانش آموز دختر در سال تحصیلی جاری ۹۶-۹۷، ترک تحصیل کرده اند. این گفته معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش است که بصورت گسترده در فضای مجازی نشر یافته است.



از دلایلی که عباس سلطانیان برای ترک تحصیل دختران ذکر کرده است این است که در برخی از مناطق محروم از فرزندان به عنوان نیروی کار استفاده می‌کنند، که در اینجا دختران آسیب‌پذیری بیشتری را نسبت به پسران دارند.

او در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری ایلنا گفته است: «اگر ما جمعیت بازمانده از تحصیل را بخواهیم محاسبه کنیم، در سال جاری ۹۶-۹۷ تعداد دانش‌آموزان دختری که در هیچ پایگاهی ثبت نام نکرده‌اند و هیچ جا مشخصاتشان ثبت نشده و اصلاً دانش‌آموز محسوب نمی‌شوند ۱۵۱ هزار و ۴۶ نفر هستند.»

وی با اشاره به این واقعیت که ترک تحصیل دختران به مراتب بیشتر از پسران است، افزوده است: «شرایط متعددی داریم که موجب ترک تحصیل دختران می‌شود و این جزو چالش‌هایی است که ما با آن روبه‌رو هستیم.»

مثلاً پراکندگی روستاها در کشور، اثری که بر دانش‌آموزان دختر می‌گذارد بیشتر از دانش‌آموزان پسر است؛ زیرا دانش‌آموزان پسر به لحاظ فیزیکی این قدرت را دارند که بتوانند برای تحصیل از یک روستا به روستای دیگر بروند؛ اما دانش‌آموزان دختر بنا به دلایلی این امکان را ندارند.»

جای هیچ شکی نیست که ایجاد شرایط مطرح شده از سوی عباس سلطانیان، در طول ۴ دهه باید از سوی سیستم آموزش و پرورش، برنامه‌ریزی می‌شد و ذکر آمار و ارقام دردی از این دختران دوا نخواهد کرد. او در جای دیگر از صحبت‌هایش می‌گوید: «بحث فقر فرهنگی نیز در بعضی از خانواده‌ها به خصوص مناطق مرزی و برخی استان‌های کشور از دلایلی است که باعث می‌شود ترک تحصیل دختران بیشتر از پسران باشد.»

بعضا به دلایل فرهنگی این‌ها در خانواده‌ها وجود ندارد که دانش‌آموزان دختر هم باید مثل دانش‌آموزان پسر ادامه تحصیل بدهند و معتقدند دختران‌شان باید زودتر ازدواج کنند و تشکیل خانواده بدهند یا حتی در برخی از مناطق محروم از فرزندان به عنوان نیروی کار استفاده می‌کنند. و در اینجا دختران آسیب‌پذیری بیشتری را نسبت به پسران دارند.» (دانشجویی به نقل از سایت آینه روز ۲۸ / ۰۶ / ۲۰۱۸)

هفته نامه چاکار چاپ شهر سنندج در دومین شماره خود به تاریخ چهارشنبه ۲۴ خرداد در مطلبی به قلم فایق رسولی با عنوان کولبری و کودکان کولبر، به وجود

مشترک میان بچه‌هایی است که بعضی افغان هستند، بعضی ایرانی و بعضیها نیز یکی از والدینشان ایرانی و دیگری افغان است. مدیرعامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران به تازگی با اعلام نتایج یک پژوهش درباره ۴۰۰ کودک کار گفته است: «ثابت می‌کنیم که به ۹۰ درصد کودکان کار تجاوز میشود.»

- تجاوز میان زباله‌ها بالاتر از این منطقه، شهرکی از توابع جنوب تهران، در کنار کوره‌های آجرپزی بیغوله‌هایی ساخته شده و چند خانوار آنجا کنار هم زندگی میکنند. دختر بچه‌های لاغر اندام با پیراهنهایی بلند در میان خاکها روزگار می‌گذرانند و به صاحب کوره «ارباب» می‌گویند. هوای عصر پاییز در این بیابان سرد است و آتشی روشن کرده‌اند. خاطر، دخترک ۷ ساله آجرهای کوچکی برمی‌دارد، روی منبع آتش پرت میکند تا آن را خاموش کند، با مهارت دست‌هایش را برای نشان دادن نحوه کارش تکان می‌دهد و می‌گوید: «ما هم آجر می‌زدیم. آجرها را برمی‌داشتیم اینجوری اینجوری، خانه به خانه کنار هم می‌چیدیم. سخت بود. سنگین بودند.» رکود ساختمانی دامن کودکان کار در کوره‌های آجرپزی را نیز گرفته است و کسب و کار دیگری در این جغرافیای بیابانی رونق گرفته است. یکی از اعضای جمعیت امام علی می‌گوید: «قبلاً بچه‌ها در کوره‌ها یا واحدهای صنعتی کار می‌کردند، اما مثل تمام بخشهای اقتصاد، این کار هم به رکود خورد. الان بچه‌ها زباله‌گردی میکنند و پول در می‌آورند.» حالا کوره‌ها به گاراژی از ضایعات که حکم پول را برای کودکی بچه‌ها دارد، تبدیل شده‌اند. بچه‌ها زباله‌ها را به کوره‌های متروک می‌آورند، آنها را دپو و تفکیک میکنند و به پیمان کارهای بازیافت شهرداری می‌فروشند.

الهام فخاری، عضو شورای شهر تهران چند وقت پیش گفته بود: «سوءاستفاده جنسی بزرگترین آسیب برای بچه‌های زباله‌گرد است.» اینجا، یکی از محله‌های حاشیه است که از درد فقر، همه نوع آسیبی در آن جریان دارد. هر بار که خبری از قتل، تجاوز، کودک آزاری و... منتشر میشود، موجی از درد را همراه خود میکشاند، چند وقت بعد فراموش میشود تا کار به حادثه بعدی برسد. اما در سکونت‌گاههای فقیرنشین درد روایت هر روزه آن‌هاست. بچه‌هایی که در میان خانواده‌هایی معتاد، کار میکنند و گاه نیز در کودکی بعد از تجربه‌های تجاوز کارشان به اعتیاد جنسی و تن‌فروشی میرسد.

- کار میان اسید و سوزن صنعتی -

کودکان کولبر پرداخته است: کودکان کولبر امروز پدیده‌ای چندان ناآشنا در کنار مقوله کولبری نیست، کودکانی که گاه در کنار بزرگترها و گاه به تنهایی به عنوان تنها نان‌آوران خانواده، قدم در این راه نهاده و به جای حضور سر کلاس‌های درس و محیط بازی در لابه‌لای این زندگی رقت‌بار، دست و پا می‌زنند. از تبعات این مساله که نه تنها خود کودکان، بلکه گریبان جامعه را نیز می‌گیرد، می‌توان به بازماندن کودکان از تحصیل، تجربه شرایط نامناسب با رنج سنی کم و وضعیت روحی، باز تولید خشونت در آنان، دوری از بازی و شادی، عدم تجربه محیطی امن و شاد، و تأثیرات مخرب و مزمن روحی، روانی، تربیتی روی کودکان، قطع عضو و در نهایت مرگ کودکان و مواردی از این دست را نام برد که به لحاظ روانی و اجتماعی تأثیرات دراز مدتی بر روی جامعه نیز می‌گذارد. هر چند حقوق کودک بر تمام منافع قومی، نژادی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی ارجح است اما سیستم سرمایه در این مبارزه نابرابر، چندان بی‌رحم و خشن می‌نماید که از قربانی کردن کودکان نیز، نماند و آشکار ابایی ندارد. کولبری خود وصله ناجوری است بر تن جامعه و کودکان کولبر و قربانی این پدیده، بحثی است که تامل و تعمق بیشتر می‌طلبد.

- خاموشی چراغ کودکی با زوزه تندباد محرومیت. در همین حوالی تهران، چند سال پیش مددکارها در کارگاهی را کوبیدند، مردی از کارگاه چوببری بیرون آمد و گفت هیچ کس اینجا نیست، اما کمی بعد از آن ۴ دختر بچه کمتر از ۱۰ سال با گریه و چهره‌هایی مستأصل به دو فرار کردند، بیرون آمدند و به مددکارها پناه بردند. آن طرفتر هم باغی است که پای دنیا دخترکی ۷ ساله را به خاطر تجاوز سرایدار به او به دادگاه باز کرد و پرونده‌اش را به دیوان عالی کشور رساند. دختری که از ۴ تا ۶ سالگی به طور مستمر در همین باغ، به جسم نحیف و روح لطیفش تعرض میشده است. همین حوالی دختری زندگی میکند که پدرش افغان و مادر معتادش ایرانی است. ۱۰ ساله است اما شناسنامه ندارد. چند وقت پیش مادر او برای دریافت مواد تلاش میکرد تا کودکش را به مردی اجاره دهد، مردی که کارش همین و در محله‌های فقیرنشین معروف است. رویا هم حتی پیش از آنکه به سن بلوغ برسد به همین ترتیب، تجربه تجاوز را از سر می‌گذراند. اینجا، فقر و اوضاع نابسامان اقتصادی، کارهای سخت انجام دادن و تجربه خشونت‌های جنسی و جسمی خاطرهای

کار جوانان زیر ۱۶ سال باید متوقف شود

او دریغ نکرده است؛ درد روایت هر روز بچه هایی است که روزها و شب هایشان را با فاصله نیم ساعتی از پایتخت در محله های فراموش شده میگذرانند و در هیاهوهای رسانه ای نیز جایی ندارند. زندگی در اوضاع بد اقتصادی کار را به جایی رسانده است که معضلات اجتماعی به روندعادی زندگی بچه ها تبدیل شده است. پسر بچه ای ۷ ساله میگوید: «اینجا پسر بزرگها با ما کاری میکنند که ما همان کارها را با دخترهای کوچکتر میکنیم» منبع: روزنامه ایران؛ ۱۳۹۶، ۸، ۱

در این کارزار کودک ستیزی نظام امپریالیستی سرمایه داری به صورتهای مختلف و به ویژه تحمیل جنگهای وحشیانه کودکان را با بمبارانها نشانه می گیرند و حتا خبرگزاریهای این نظام بخشی از وقایع جان گذاز رفتار با کودکان را بر زبان می رانند: آسوشیندپرس: کودکان را کتک میزنند، روی سرشان کیسه میکشند و آنها را به صندلی می بندند! سیاست جداسازی کودکان از خانواده شان اما صحنه های تلخی رقم زده که تحلیلگران آن را هولناک تر از اقدامات نازی ها در جنگ جهانی دوم معرفی می کنند. تصویر زیر یکی از ترحم برانگیزترین عکس ها از گریه های کودکی است که به زور از آغوش مادرش جدا شده است. دولت فدرال آمریکا مهاجران را به بهانه ورود غیرقانونی بازداشت می کند، سپس با توسل به زور کودکان را از والدینشان جدا می کنند و توسط عوامل پلیس مرزی، به دفتر اسکان پناهندگان تحویل می دهند. بعد از آن، هفته ها و ماهها در مراکز نگهداری دولتی با بی صبری باقی می مانند تا شاید خویشاوند یا حمایتگری برای نگهداری از آنها در مدتی که پرونده پناهندگی

در ۸ سالگی برای مدتی هر روز به بهانه بستنی و... به کارگاه چوب بری کشیده میشد و آنجا مورد تجاوز قرار میگرفت. کار به جایی رسید که او به این وضعیت عادت کرد. ۱۰ سالش بیشتر نبود اما حتی بلال فروش و کله پز محل نیز به او دست درازی کرده بودند و با دریافتهای ۲ هزار تومانی و ۵ هزار تومانی، این کار هر روزش شده بود.» مسعود درباره وضعیتی که به آن اعتیاد جنسی میگویند، ادامه میدهد: «کار به جایی رسید که خودش آمد پیش ما و گفت از این وضعیت خسته شدم، از خودم بدم میآید. او را بهزیستی بردیم، اما آنجا هم به خاطر مشکلات روان شناختی زیادی که برایش پیش آمده بود، اذیت میکرد و بعد از دو ماه خودش او را به خانه برگرداندند. یکی از وقتهایی که پدرشان میخواست بچه ها را اذیت کند، دخترها با آجر به سر او زدند. ما با پلیس تماس گرفتیم، گفتند ساعت ۱۲ شب حکم ورود به منزل نداریم و مجبور شدیم با کمپهای ترک اعتیاد تماس بگیریم.» بعد از آن، دو ماه طول میکشد تا مددکارها بتوانند به کمک وکیل، با جرم پرداخت نکردن نفقه و کودک آزاری که خود پدر به آن اعتراف کرده بود، حدود دو سال مرد معتاد را به زندان ببندازند. مددکار این خانواده میگوید: «حالا نیز دوران حبسش تمام و آزاد شده است. اما در این مدت، مادر خانواده هم دیگر از همه چیز عبور کرد و آنقدر وضعیت شان با فقر همراه بود که خانه را به پاتوقی برای کارهای خودش تبدیل کرد.»

چهره فاطمه با وجود قامت کوتاهش، شباهتی به دخترکان نوجوان ندارد، کم حرف است و در نگاهش تشویش زنان رنج کشیده و میانسال میگذرد. زندگی در محله ای فقیرنشین، تنها کودکی و نوجوانی را از

رنا، دختر ۱۹ ساله ای است که از نخستین سالهای نوجوانی خود کار کرده است. نه دستفروشی، نه گلفروشی و نه پاک کردن شیشه های ماشینها سر چهارراه، او روزهای ۱۱ تا ۱۵ سالگی اش را در کارگاه قطعه سازی خودرو گذرانده است. حالا سیمای او نه دختر جوان ۱۹ ساله، که زنی استخوان ترکانده با نگاهی رنج دیده است. او در این شهرک زندگی کرده، روستایی که تا چند وقت پیش حاشیه بوده و حالا بدون هیچ زیرساخت و تأسیساتی، به شهر تبدیل شده است. رنا با حواس پرتی از روی زمان و سالها میگذرد و کارش را چنین روایت میکند: «در یک کارخانه خیلی بزرگ کار میکردم. سوله ۷۰۰ متری بود. طاقچه و باکس ماشین میزدیم. برای همه جور ماشینهایی هم بود، پرشیا، ۲۰۶ و... خیلی سخت بود و خطر داشت. یکبار داشتم طاقچه ها را منگنه میزدم، دو تا انگشتم سوزن خورد و چسبید به هم. دو ساعت فقط گریه میکردم. نمیدانستم باید چه کار کنم. دست یکی از همکارهایمان هم قطع شد. از آنجا بیرونم کردند، پولم را درست ندادند.» او بعد از آن سر کاری رفته که اسمش را «آبکاری» میگذارد: «این چیزهای فلزی را که از آن لیوان و ظرف آویزان میکنند، آبکاری میکردیم. در اسید میگذاشتیم که زنگ زدگی اش برود. خیلی وقتها اسید میپاشید و صورتم را میسوزاند. خیلی سخت بود. شبها هم که خانه میرفتم، نمیتوانستم بخوابم. آدم است دیگر، میترسد.» ترس او نه از زندگی فقیرانه در محله موادفروشها، بلکه از پدرش بوده است. پدری معتاد که به دخترهایش دست درازی و تعرض میکرد.

تن فروشی در ۱۰ سالگی، برای ۵ هزار تومان - رنا حالا در خانه علم جمعیت امام علی زندگی میکند و کارهای ساختمان را انجام میدهد، او میگوید: «الان خواهرم مشکلی دارد که نمیتوانم بگذارم خانه بماند، بزرگترین خواسته ام این است که او را پیش خودم بیاورم.» دو تا از خواهرهایش در بهزیستی زندگی میکنند اما خواهر ۱۳ ساله دیگرش را از بهزیستی بیرون کرده اند. او ابا دارد از مشکل خواهرش بگوید، اما روایت مددکاران از فاطمه که در ۸ سالگی تجربه تجاوز صاحب کارگاهی چوببری را از سر گذرانده، روشن است.

مسعود، یکی از مددکاران این خانواده چنین روایت میکند: «پدر خانواده حتی قرص تقویتی میخورد که شبها به بچه هایش تعرض کند. بچه ها از او میترسیدند و به آدمهای دیگر راحت اعتماد کردند. فاطمه



آزادی پوشش حق اولیه هر زن است



والدینشان بررسی می‌شود، پیدا شوند. از آنجایی که هیچ اطلاعات و تصویری از اردوگاه های این افراد منتشر نمی‌شود خانواده ها نیز اطلاعی از وضعیت فرزندان خود ندارند، نه آرسی و نه شماره تلفنی برای برقراری ارتباط به خانواده داده نشده است. مشخص نیست تا چه زمانی فرزندانشان که در بین آنها کودکان خردسال هم دیده می‌شود تحمل جدایی از والدین خود را دارند. تصویر زیر یکی از ترجم برانگیزترین عکس هایی است از گریه های کودکی که به زور از آغوش مادرش جدا شده است حدود ۲۰۰۰ کودک در سراسر آمریکا بین ۱۹ آوریل تا ۳۱ مه از والدین خودشان جدا شدند.

گزارشگرانی که این مراکز را دیده‌اند، می‌گویند صدها کودک در قفس‌هایی با کف بتنی و جدا از خانواده‌هایشان نگهداری می‌شوند. اما خبرگزاری اسوشیتد پرس گزارشی دردناک تر هم منتشر کرده که یادآور جنایت های آمریکایی ها در زندان های گوانتانامو و ابوغریب است.

اسوشیتد پرس گزارشی منتشر کرده که در آن کودکان مهاجران گفته‌اند که در یک مرکز نگهداری در ایالت ویرجینیا، به آنها دست‌بند زده‌اند، کتکشان زده‌اند، لخت در سلول رهایشان کرده‌اند و در حالی که کیسه بر سرشان کشیده بودند آنها را به صندلی بسته‌اند! همچنین شکایت هایی صورت گرفته که گفته می‌شود به نام داروهای ویتامین به کودکان داروهای بیماران روانی می‌دهند.

این سیاست جنایت بار آمریکا با واکنش های بسیاری در جهان مواجه شد. اما با این وجود رئیس جمهور این کشور از این سیاست دفاع کرد. او در توجیهی مضحک ابراز داشت که دلش نمی‌خواهد فرزندان را از والدینشان جدا کند اما این قانون است. وی در ادامه گفت: «وقتی که شما والدین را به دلیل ورود غیرقانونی به آمریکا محاکمه می‌کنید، که باید هم چنین بکنید، باید فرزندانشان را از آنها جدا کنید»

لباس جنجالی ملانیا ترامپ همسر رئیس جمهور آمریکا هم در این بین از روحیه نژاد پرستی عمیق در سیاست مداران این کشور خبر داد. هر چند گفته می‌شود او مخالف جداکردن کودکان از والدین شان است.

اما ظلم و ستم رژیم جمهوری اسلامی نه فقط در مورد کودکان، بلکه در مورد جوانان به مراتب با شدیدترین سرکوبها و ایجاد محدودیتها رفتار ضد انسانی خود را پیش می‌برد که فریاد اعتراضی تشکلهای دانشجویی نمونه ای از عمل کرد رژیم

جباردینی نوکر سرمایه داران می‌باشد: **اعتراض شدید به احکام سنگین قضایی برای دانشجویان در بیانیه ۶۳ تشکل دانشجویی**

«دانشجویان، چه در ایران و چه سراسر جهان، چشمان بیدار جامعه بوده و هستند. هر زخمی بر پیکره جنبش دانشجویی، بذری جدید رویانده است تا قدرت‌ها گمان نبرند که خواهند توانست دانشگاه را آرام و بی‌صدا کنند.»

«امروز سرنیزه‌ها بر سر در دانشگاه ایستاده‌اند. حرفشان این است: دانشجو نباید در رابطه با بی‌عدالتی و سلب آزادی در سطح دانشگاه و جامعه، روند پولی‌سازی آموزش عالی، بحران‌های شدید سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی و عاملان و مناسبات به‌وجودآورنده آن دم بزند، در غیر این صورت هر کدام از این موارد، توسط حراست دانشگاه یا نهادهای امنیتی - اطلاعاتی به پرونده‌های قطور تبدیل گشته و در قوه قضاییه منجر به احکام سنگین قضایی می‌شوند.»

«آنانی که ... تنها مشغول باندبازی و زد و بندهای پشت پرده هستند، چه می‌دانند هشت سال حبس برای دانش‌جوی بیست و دوساله چه معنایی دارد؟»

همچنین دولت «اعتدال» گرای دکتر روحانی نه تنها در این رابطه واکنشی نشان نمی‌دهد بلکه رد پای وزارت اطلاعات ایشان در این دست‌گیری‌ها و احکام دیده می‌شود؛ اعتدالی که احکام سنگینش برای دانشجویان منتقد است و رانت و منافع اقتصادی آن برای صاحبان وضع موجود.»

تشکل‌های دانشجویی در پایان بیانیه خود ضمن یادآوری وظیفه خود در دفاع از حقوق افراد جامعه علی‌الخصوص دانشجویان، نسبت به فضای امنیتی دانشگاه‌ها و همچنین احکام صادر شده برای دانشجویان ابراز نگرانی کرده و خواست‌های هشت‌گانه خود را به شرح زیر اعلام می‌کند:

- آزادی بی‌قید و شرط دانشجویان بازداشتی و مختومه‌شدن پرونده آن‌ها در نهادهای خارج از دانشگاه

- لغو احکام قضایی صادره علیه دانشجویان

- امکان ادامه تحصیل دانشجویانی که احکام قضایی دارند

- پی‌گیری وزیر علوم و اطلاع‌رسانی صریح و شفاف در این رابطه

- تجدید نظر وزارت علوم در عملکرد حراست دانشگاه‌ها

- شفاف‌سازی وزارت اطلاعات درباره نقش ایشان در رابطه با بازداشت‌ها

- پی‌گیری وضعیت دانشجویان توسط نمایندگان مجلس از جمله کمیسیون اصل ۹۰، کمیسیون قضایی و کمیسیون آموزش و پرورش

- پی‌گیری وضعیت احکام دانشجویان توسط دولت و گزارش منظم از وضعیت دانشجویان

از اخبار رسیده - تاریخ ۳۰ / ۰۶ / ۲۰۱۸



بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر

می گردد

و بیانگر نظرات

حزب رنجبران ایران

می باشد، دیگر نوشته

های مندرج در نشریه

رنجبر به امضا های فردی

است و مسئولیت آنها با

نویسندگانشان می باشد.

زنان و ورزش

بالاخره بعد از چند دهه زنان توانستند وارد ورزشگاه آزادی برای دیدن بازی تیم ملی فوتبال ایران و تیم ملی فوتبال جام جهانی فوتبال پرتغال شوند. ورود زنان به ورزشگاهها از زمان به قدرت رسیدن رژیم اسلامی به یک تابو تبدیل شده بود و یکی از خط‌های قرمز حکومت در ایران بود. البته ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاهها تنها محدودیتی نبود که رژیم اسلامی برای زنان ایران بوجود آورده است. اما این یکی از عرصه‌های زنان برای طرح درخواست های محقانه است.

هنوز رژیم ایران به قدرت نرسیده بود که با اخراج گسترده زنان از ادارات دولتی، برقراری حجاب اجباری و از بین بردن حقوق زنان در خانواده، سعی کرد که زنان را به افراد درجه دوم در ایران تبدیل کند. اما زنان زیر بار احقافات رژیم جمهوری



اسلامی با قوانین اسلامیش نرفتند و از همان روز اول رویارویی و برافراشتن پرچم اعتراض و مبارزه علیه حاکمین توسط زنان قهرمان ما شروع شد. جواب زنان به عقب راندن خود از سطوح مختلف اجتماعی برای رژیم اسلامی به بی آبرویی، شناخت عمیق زنان و دیگر جنبش های ارتجاعی از رژیم و... نهایتاً عقب نشینی مفتضحانه اش تبدیل شده است. بطور عینی رژیم اسلامی به خواست های زنان در انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ برای برابری با مردان را نه تنها گردن نگذاشت بلکه حداقل حقوق بدست آمده را نیز به زیر یوغ محاق کشید و زنان را از اولیه ترین حقوق فردی و اجتماعی خود محروم کرد.

در طی چند دهه گذشته زنان بر سر درخواست های متعدد خود قدم به قدم مبارزه کرده اند و رژیم را به عقب رانده اند از جمله قبول کار زنان در خارج از خانه، پذیرش تلاق (با هزار اما و اگر) از طرف زنان، شرکت زنان در تحصیلات سطح عالی، حضور زنان در برخی مسئولیت های دولتی، درگیری بر سر مسئله حجاب، بوجود آوردن تشکلات زنان. این مبارزه همچنان ادامه دارد. و آخرین موفقیت هم مسئله حضور زنان در ورزشگاهها بود که حتی اگر موقت هم باشد بالاخره شکسته شد با تمام این مبارزات هنوز زنان را هی بس سخت و طولانی را برای رسیدن به حقوق برابر اجتماعی در برابر خود دارند. هنوز حق حضانت فرزند در درجه اول به پدر می رسد، زنان از حق ارث برابر با مردان برخوردار نیستند دستمزد برابر بین زنان و مردان برای کار مساوی موجود نیست، در سطح مدیریت جامعه زنان عملاً عقب رانده شده اند و... دست آوردهایی که زنان تا به حال در کسب حقوق خود و مبارزه علیه رژیم اسلامی داشته اند، هنوز بسیار از خواست های اولیه کمتر است. اما زنان ایران همچنان که مصممانه بر سر خواست های خود ایستاده اند در روند مبارزات خود با متحد شدن با دیگر جنبش های مترقی پوزه رژیم اسلامی را به خاک خواهند مالید. دیگر دوران کتک زدن زنان در خیابان ها گذشته است. هر دست درازی نیروهای انتظامی نه تنها با مقاومت سرسختانه زنان بلکه پشتیبانی مردان و نیز زنان حاضر در صحنه روبرو شده و در بسیار از مواقع رژیم مجبور به عقب نشینی می شود. و نیروهایش تحقیر شده و کتک خورده پا به فرار گذاشته اند. جنبش اعتراضی "زن بدون حجاب" و "آزادی پوشش" با سرکوب

بیرحمانه و و حکم سال ها زندان برای زنانی که حجاب از سر بر گرفته بودند روبرو شد. اما این مسئله نشان داد که اعتراض زنان از حجاب اجباری گرفته تا دیگر حقوق اجتماعی و فردی نه تنها دیگر مسئله ای فقط زنانه نیست بلکه مشکل اجتماعی بزرگی است که به مبارزه عمومی تمامی جامعه علیه حاکمین و سیستم عقب مانده و استثمار و سرکوبگر دولت اسلامی ارتباط تنگاتنگی پیدا کرده است. از جنبش زنان، بورژوازی داخلی و بین المللی و احزاب و تفکرات متعلق به آنان خواهان برخوردی کاملاً تبلیغاتی و در جهت سیاست های خود، هستند. به عنوان مثال سلطنت طلبان و مجاهدین بدون طرح برابری اجتماعی کامل زنان و مردان آنها به یک اعتراض ضد رژیمی خلاصه کردند و با این سیاست نشان دادند که در سیستم آنان از برابری زنان و مردان در کلیه حقوق اجتماعی خبری نیست. نیروهایی از این نوع نه تنها قادر به حل مشکل زنان نیستند بلکه این مشکلات را اگر به قدرت برسند در اشکال دیگری بازتولید خواهند کرد. مسئله زنان تاریخی جزئی از مسئله طبقاتی بوده است که در طول تاریخ و شکل بندی های اجتماعی اشکال ستم و نقش درجه دومش عوض شده است و تا زمانی که جامعه طبقاتی وجود دارد مشکل زنان بطور نهایی قابل حل نیست برخی از رفرم های بورژوازی هم ناشی از مبارزات زنان و یا صرفاً منافع سود جویانه بوده است و امر رهایی زنان همچنان بخشی از امر رهایی کل بشریت است که کاملاً به یک دیگر گره خورده است اما این به آن معنی است که در خواست های امروز زنان برای برابری و رفرم های برابری طلبانه کاملاً قابل طرح، پشتیبانی و بخشا قابل اجرا است. جنبش دادخواهی زنان، مادران خاوران، گروههای کمک های اجتماعی زنان و... همگی بخش هایی از جنبش زنان است که با دیگر جنبش های اجتماعی عجین شده است. که در عین حال پشتیبانی از دیگر جنبش های مترقی و عدالت طلبانه خود به پشتیبانی آنان برای گسترش و پیشرفت احتیاج دارد. تمامی تئوری های اسلامی و آیه و حدیث و روایت های مختلف برای تحمیل زنان و مردان جامعه با شکست اساسی روبرو شده است. رژیم جمهوری اسلامی اگر با سرکوب و زندان و شکنجه توانسته است فعالین جنبش زنان را به عقب براند اما نتوانسته در زمینه تفکر ضد زن در کلیت جامعه به پیروزی برسد و فقط تمسخر جامعه را به دنبال داشته است. روشن است که از

ع.ع



در جنبش جهانی کمونیستی بقیه از صفحه آخر

دیگر ایالت های دولتی در حمایت از منافع شرکت های انحصاری، تعلیق و جابجایی بسیار سریع است. معترضان، روزنامه نگاران، روشنفکران، وکلای مخالف با سیاست های علیه مخالفین، مشمول قانون امنیتی خاص هستند که فرا تر از قانون امنیتی حقوق بشر یعنی قانون پیشگیری از فعالیت غیر قانونی (U.A. P. A.) است. دولت از طریق قانون سیاه تحدید می کند.

رهبر ارشد دفاع از محیط زیست و کمیته دفاع از محیط زیست، زمین و معیشت، عضو حزب سیاسی و کمیته مرکزی ستاره سرخ همراه با ۵ فعال حقوق اجتماعی در ۳۱ ماه مه ۲۰۱۸ دستگیر شدند. در میان کارگران دستگیر شده ویلسون دهلی، سودحه درهاله، وکیل ناگپور، سورندرگاالیگ، و ناگپور و شیوا سن استاد هستند.

خواسته های تظاهرکنندگان مبنی بر تعطیل معدن مس آکری در توتیکورین تامیل نادو که در آن ۱۳ نفر کشته شدند و صدها نفر به طور جدی مجروح شدند با گلوله پاسخ گرفت. در نتیجه سه کشاورز در جنبش جاری علیه حرص و ولع شرکت های انحصاری در رویداد بنگال جان باختند

بسیاری از رهبران اصلی جنبش به زندان روانه شدند از جمله مائوئیست ها. پیش از این در اوتار پراندش، رهبر سازمان دلیت "ارتش بهیم" برای مدت طولانی با پرونده سازی دروغین به زندان افتاد. حوادثی چون تجاوز علیه زنان در سراسر کشور روز به روز افزایش می یابد. متفکران معاصر، نویسندگان به قتل رسیدند. برای کسی پوشیده نیست که پشت این قتل ها دست



سازمان های رادیکال هندو است.

طرفداران دولتهای فاشیستی با حمایت خشن و سرکوب دولتی برای در هم شکستن جنبش کوشش می کنند. حقیقت این است که رسانه های دولتی توسط اخبار دروغین، برای بدنام کردن مبارزین، کمپین علیه آنها راه می اندازند. در این میان دولت بنگال در حال انجام دلالی بلند گونه ای برای شرکت های بزرگ است و کوشش می کند که توجه عمومی مردم را از مسائل اساسی، آموزش، بهداشت، سوء تغذیه و غیره منحرف سازد. برای این منظور دیوانه وار به گشتار جمعی دست میزند و قاتلان در ملاء عام به خواب راحت می پردازند. امروز ما خواستار افشای چهره های فاشیستی و بربرمنشانه شرکت سانگ توسط دولت هستیم که با مردمان تحت ستم همراه شود و علیه غارتگری ها مقابله کند.

بر علیه خشونت و سرکوب در سراسر کشور در روز پنجم جولای (چهارشنبه) ۲۰۱۸ ساعت ۱۲ ظهر، مقابل مجسمه دنگ. بیرما آمبدکار در نزدیکی ساعت چوک در ریپور ما از همه پیشروان؛ روشنفکران، دانشجویان، جوانان، کشاورزان، کارگران، زنان و نیروهای دموکراتیک می خواهیم که با ما همراه شوند.



در مورد ظهور انحصارهای...
بقیه از صفحه آخر

بیشتر و بیشتر منافع ملی خود شروع شد. (ص ۱۹) به این ترتیب، منجر به گذار این کشورها از وابستگی استعمار نوین به امپریالیسم، به استقلال به عنوان کشورهای جدید امپریالیستی « شد (همانجا) که در واقع توضیح بسیار ساده انگاری است!

از سوی دیگر، دو دهه پیش، ام ال پ د خود موضع متفاوتی در رابطه با این موضوع داشت. از جمله: « در سال ۱۹۹۳ در کتاب استعمار نوین و تغییرات در مبارزه آزادی بخش ملی، ام ال پ د اعلام کرد که در تعدادی از کشورها مانند آرژانتین، برزیل، هند و کره جنوبی سرمایه بزرگ در کشورهای ستم دیده به درجات مختلفی وابسته به امپریالیستها می باشند. خوداین امر تحت کنترل و تبدیل به وسیله ای برای اجرای حاکمیت سرمایه انحصاری بین المللی برجوامع کشورهای تحت ستم دیده شده است

قدرت به بورژوازی بزرگ در سال ۱۹۴۷ به مثابه قدرت امپریالیستی ارزیابی نکرد. دلیل واضح است. بر خلاف بورژوازی در کشورهای امپریالیستی امروزه که توانستند پیشرفت سرمایه داری ملی را به ثمر برسانند که بعداً راه گذار به امپریالیسم را باز کنند، بورژوازی بزرگ در کشورهای قبلاً مستعمره، نیمه مستعمره، و وابسته از لحاظ تاریخی ناتوان بودند تا رهبران کشورهای مربوطه را به توسعه سرمایه داری عادی تبدیل کنند.

این بطور گسترده ای به رسمیت شناخته شده است که در حالیکه رشد انحصارات در کشورهای امپریالیستی به دلیل تمرکز و مرکزیت دادن به سرمایه منجر به افزایش بی سابقه " ترکیب آلی سرمایه " در کشورهای نومستعمره و وابسته ی امروز، تمرکز سرمایه به وسیله بورژوازی بزرگ در هماهنگی با انحطاط شدید سرمایه مالی، به ویژه تحت نئولیبرالیسم نه به حوزه تولید، بلکه به معامله گری گرویده است. به عنوان مثال، رشد معامله گران های عظیم مانند آمبانیس، آدانیس و غیره در هندوستان حتی تا تا و بریلا را با داشتن سنت صنعتی سازی (هرچند وابسته) به زمینه هائی رانده شدند که باید در این چشم انداز در نظر گرفته شود. البته، انباشت ثروت و رشد بورژوازی در کشورهای وابسته چیز تازه ای نیست و همانطور که قبلاً اشاره شد، آی سی ام طی دوره بین دو جنگ توجه خود را به خصلت سیاسی آنها داده است. به عنوان مثال، کنگره ششم کمینترن در سال ۱۹۲۸ برگزار شد، در نوشته خود در مورد « جنبش انقلابی در مستعمرات و نیمه مستعمرات »، بورژوازی بزرگ در کشورهایی مانند هند مستعمره و چین نیمه مستعمره خصلتاً به عنوان « کمپرادور » شناسائی شد. علیرغم ثروت انباشته شده توسط این کمپرادورهای بزرگ، طبق گفته کمینترن، آنها خصوصیت ملی را برای توسعه سرمایه داری عادی نداشتند و این به خیانت انقلاب دمکراتیک و جنبش های ضد امپریالیست به ویژه در چین و هند منجر شد. البته، گرچه (مولود تولد بی مانند و خریده شده در زیر چتر امپریالیستی و حتی در خدمت آن در بسیاری از حوزه های اقتصادی، این بورژوازی نیز از دوران اولیه نگهدارنده انحصار بوده است. لازم به یاد آوری ست که مانوتسه دون اولین کسی بود که به این نکته قبل از تز کمینترن اشاره کرد. با مشخص کردن این که بورژوازی کمپرادور در سال ۱۹۲۶ به عنوان یک طبقه که بطور مستقیم و به طریق

(ص ۱۰۹). « (ص ۱۲) بنابراین، روند های مختلف تأکید شده توسط ام ال پ د مانند رشد سریع انحصارات در کشورهای وابسته به استعمار نو، شروع صدور سرمایه توسط آنها، رهائی آنها از قید انحصارات بین المللی، به دست آوردن استقلال سیاسی و گذار آنها به کشورهای جدید امپریالیستی و غیره، همه پیشرفتهای اخیر می باشند. بطور طعنه آمیزی، این همان دوره زمانی است که با توجه به تهاجم نو لیبرالی تحت رهبری امپریالیسم آمریکا صورت می گیرد. رها کردن قاطع حتی اسمی که توسط کسی قبلاً به نام دیگر اتکاء به نیروی خود، واردات - جای گزین، سیاستهای دید رهبری کشوری و شریک شدن با بورژوازی بزرگ را تسلیم شدن فرومایه به دیکته کردن های صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی می نامید هر دو دولت و بورژوازی بزرگ در کمپرادور کردن نواستعماری شرکتها منجر به وابستگی کشورهای نومستعمره بطور گسترده ای تشدید شده موجب بردگی سیاسی ننگ آور بیشتری نسبت به امپریالیسم جهانی بطور کلی شده است. بنابراین، تفسیر صرفاً اقتصادی از انباشت ثروت اخیر توسط بورژوازی بزرگ در کشورهای وابسته نو مستعمره توضیح کافی برای خصلت مندی آنها به عنوان امپریالیسم جدید نیست. به عنوان مثال، استفان می گوید: « ادغام قدرت سرمایه انحصاری داخلی با قدرت دولتی انحصاری از سوی دولت ملی، پیش شرط اصلی تعیین کننده » برای « امپریالیسم جدید » بود. (ص ۲۴) اما، آنچه که در تحلیل ام ال پ د در مورد « امپریالیسم جدید » نادیده گرفته شده است، خصلت طبقاتی دولت و بورژوازی بزرگ است که به آن منجر می شود. بگذارید این جنبه را با کمی جزئیاتش با توجه به وضعیت هند مشخص کنیم. در حقیقت، انباشت ثروت فراوان توسط بورژوازی بزرگ و برآیند توسعه انحصارات بزرگ در برخی کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، ایداً پدیده جدیدی نیستند؛ و جنبش جهانی کمونیستی (آی سی ام) چنین روندی را طی مرحله استعماری امپریالیستی تشخیص داد. به عنوان مثال، انباشت مالی شگفت آور و اوج گیری های ثروت که توسط تاتا و بریتا و دیگر انحصارات هدایت کننده این کشور هنوز یک مستعمره انگلیس بود، قطعاً در مقایسه با انحصارات بین المللی بریتانیای امپریالیستی هم ردیف قلمداد می شود. اما، این مبنای اقتصادی به هیچ وجه کیفیت سیاسی هند پس از انتقال

سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی خواست مردم ماست



مختلف به امپریالیسم خدمت می کند، ماؤ هم چنین توضیح داد که چگونه بخش های بالای بورژوازی کمپرادور می توانند شکل خاصی از « سرمایه انحصاری » را که بطور یک مجموعه ادغام شده با قدرت دولتی ارتباط دارد، بسط دهد.

در مرحله استعمار نو امپریالیسم پس از جنگ، و مخصوصاً تحت نئولیبرالیسم، علی رغم انباشت بی سابقه ثروت، این ویژگی سیاسی انحصارات در کشورهای وابسته به استعمار نو، مشخص شده توسط ماؤ بیشتر تقویت شده است بطوریکه آنها بطور فزاینده ای به « شرکای سطح پائین » امپریالیسم تبدیل می شوند. البته، با توجه به حضور سوسیالیسم و جنبشهای رهائی بخش ملی « دوران رفاه » پس از جنگ که تا سال ۱۹۷۰ میلادی طول کشید، این خصلت بورژوازی کمپرادور و هم چنین دولت تحت رهبری آنها در کشورهای وابسته نو استعماری می توانست تا حدودی از طریق سیاستهای مختلف « متکی به خود »، « درون نگر » و « جایگزینی کالای وارده » (۱) پنهان بماند. اما، در مقایسه با موضع ام ال پ د و بر اساس ارزیابی ما، در نسبت مستقیم با تخصیص ثروت ناشی از گمانه زنی توسط بورژوازی بزرگ در کشورهای نظیر هند در دوره پس از جنگ سرد، خصوصیت طبقاتی کمپرادور که اصلی ترین مانع برای گذار بالقوه آن به انحصارات امپریالیستی است بیشتر تشدید شده است. ولی بازشناسی موضع ام ال پ د، و بنابه ارزیابی ما، در بعد مستقیم سطح نفرت انگیز معامله گری ورود تصاحب ثروت توسط بورژوازی بزرگ در کشورهای نظیر هند طی دوران بعد از جنگ سرد، خصلت کمپرادوری طبقاتی که هر نوع مانع عمده ای در توانائی تغییر انحصارات امپریالیستی باشد شدت بیشتری یافته است. البته، این یک واقعیت به رسمیت شناخته است که علی رغم ضعف ساختاری ذاتی بورژوازی کمپرادور کشورهای تحت ستم « استعمار نو »، بین المللی کردن تولید و جریان های مالی بدون محدودیت، فرصتی جدید برای آنها فراهم کرده است تا از طریق درهم شکستن محدوده ی اقتصاد ملی و ورود در توافق نامه های صدور مجوز و همکاری با ام ان سی (۲) بر پایه امپریالیستی در سطح جهانی عمل کند. تولید جهانی شده، روند به سوی ادغام بازارهای مالی و بدون محدودیت های جریان مالی در مرزها نیز، راه های جدیدی را برای ارتباط بیشتر بین ام ان سی ها و بخش های غالب بورژوازی کمپرادور کشورهای نومستعمره

فراهم کرده است. علاوه بر این، هم چنان که استعمار، بیکاری، نابرابری و فقر در کشورهای امپریالیستی شدت بیشتر می یابد. اما این ادغام هنوز شرایط لازم را برای تغییر کشورهای نو مستعمره به کشورهای امپریالیستی یا برای ظهورگذار به نوعی امپریالیسم فرا ملیتی، همانطور که از بیان ام ال پ د معلوم ست ایجاد نشده است. در عوض، هم چنانکه رژیم مودی برتری طلب هندو بطور گسترده ای در هند ثابت می کند، بورژوازی متعلق به شرکتهای هندی بطور فزاینده ای تحت عنوان شرکای پائین دست با امپریالیستی اش راضی است، به ویژه همکاران ایالات متحده. استفان در نوشته جدید خود اظهار می دارد: «... ساختارهای دولتی انحصاری ویژگی خاصی دارند: آنها دولت را به دمنافع انحصارات داخلی و منافع سرمایه مالی بین المللی تابع می کنند. » (ص ۲۰) با این حال، اگر شواهدی داده می شد در مورد تابعیت مشابه کشورهای امپریالیستی مانند ایالات متحده، آلمان، ژاپن یا چین به منافع انحصارات از کشورهای به اصطلاح جدید امپریالیستی، این امر می توانست درست باشد.

از سوی دیگر، این به اصطلاح ارتباط جدید بین بورژوازی کمپرادور از کشورهای وابسته نومستعمره و کشورهای امپریالیستی برپایه ام ان سی ها هم چنان مانعی برای انباشت در حال گسترش داخلی خود و توسعه ملی کشورهای وابسته استعمار نو می باشد؛ این موجب تقویت پرواز ثروت به طرف بهشت رهبری کننده ی امپریالیستی منجر به تغییرشکلها و غیر قابل پیش بینی شدن سیاستهای «دیدگاه داخلی» یا متکی به خود می شود.

این جنبه تماماً مهم تر مناسب نخبگان تکنوکرات آموزش دیده امپریالیستی و بوروکراسی بالاتر می شود که نفوذ تحت نئولیبرالیسم در روند سیاست گذاری در رژیم های کمپرادوری و در کشورهای وابسته به استعمار نو رشد بیشتری می کنند. با داشتن رشته های بسیاری با مراکز امپریالیستی، وفا داری و وابستگی این بوروکرات های کمپرادور به صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی و مشابه سایر نهادهای نواستعماری-نولیبرالی، نسبت به دولت های «ملی» که متعلق به آنهاست، قوی ترند.

وضعیت هند یک مثال خوبی است. علاوه بر این، هم چنان که تجربه کشورهای بریکس (به جز دو مورد بخصوص امپریالیستهای چین و روسیه که خط سیر سیاسی آنها متعلق

به یک دسته بندی متفاوت بعد از جنگ است) و ام ان سی ت (میست) و بلوک های مشابه دیگر نشان می دهد که بردگی امپریالیستی رژیم های حاکم در کشورهای وابسته نواستعماری، حتی گروه ها و انجمن های بین المللی یا منطقه ای در میان کشورهای وابسته هنوز بی اهمیت تر است. به عنوان مثال، تضاد ذاتی بین چین و هند در بریکس از یک طرف و موقعیت هند به عنوان هم پیمان نزدیک و همکار نابالغ استراتژیک امپریالیسم آمریکا از سوی دیگر، بریکس را هم اکنون به یک پیکر بندی ناسازگار تبدیل کرده است. علاوه بر این، همانطور که ما در نظرات قبلی اشاره کردیم، ادغام سیستمی و وفا داری سه عضو کشورهای بریکس یعنی هند، برزیل و آفریقای جنوبی بدون تلاش سیاسی، اقتصادی و نظامی آنها با واشنگتن بسیار عمیق تر از دخالت آنها در بریکس است.

در واقع، همبستگی نزدیک و همکاری بین ام ان سی ها از کشورهای امپریالیستی و شرکتهای جمعی کشورهای نومستعمره که آخری اغلب نقش « شریک پائین دست » و « استعمارگر تابع » را ایفا می کند، همچنین منجر به سرکوب دوگانه و استعمار بیش از حد کارگران و توده های ستم دیده و زحمتکش میلیونی در کشورهای وابسته می شود. تجدید سازماندهی بر مبنای تولید ملی از طریق یک تقسیم کار بین المللی جدید، بطور ظاهری خوش بیانی « تخصص انعطاف پذیر » از طریق پیشرفتهای تکنولوژی پیشرفته تر جدید مانند دیجیتال سازی (یا رقمی کردن) و نتیجتاً مافوق استعمار (وضعیتی که با رواج دستمزدهای پائین تر از حد متوسط دستمزد جهانی مشخص شده است) کارگران و غارت طبیعت که تماماً منجر به چندین کژ دیسی داخلی نظیر « صنعت زدایی » و « غیر رسمی کردن » (۳) نیروی کار و افزایش وابستگی کشورهای عقب افتاده به امپریالیسم به روش های مختلف می شود.

بنابراین، بجای تصحیح کردن اختلاف بین امپریالیسم و کشورهای وابسته نواستعماری، بین المللی شدن سرمایه مالی انحصاری تحت نئولیبرالیسم کنونی، واقعا شکاف تاریخی بین این دو را تقویت می کند. بدون تردید، سازمان ملل و شورای امنیت آن، مؤسسات برتون وودز، سازمان تجارت جهانی، توافقنامه های متعدد نظامی، مجموعه ای از معاهدات و توافقنامه های بین المللی کنترل شده و غیره بطور سیستماتیک توسط مشتی از قدرتمندان امپریالیست رهبری کننده، هنوز هژمونی امپریالیسم را بر سیاره تضمین می کنند. با این زمینه، توسعه



« انحصاری باشگاه کشورهای جی ۸ به جی ۲۰ » که در آن ام ال پ د به درازا بحث می کند، تنها یک اقدام مناسب برای مدیریت مقابله با بحران اقتصادی و مالی بی سابقه ی کنونی است. به این مفهوم، ما هنوز هم به طور کلی با نظر آنچه استفان در سال ۲۰۱۱ در کتاب سپیده دم انقلاب سوسیالیستی بین المللی نوشت موافقیم:

« در کشورهای نواستعماری، بورژوازی ملی متلاشی شده است. بخشی از آن به بورژوازی بزرگ ارتقاء یافت؛ سطوح بالای سرمایه صنعتی، بانکی و تجاری با بخشی از الیگارش‌های ارضی ارتجاعی توأم شد. این بورژوازی بزرگ جدید به تصاحب سرمایه صنعتی و بانکی تکامل یافت و به عنوان طبقه حاکم، دستگاه دولتی را تحت فرمانش حد اقل در شکل ظاهری بدست آورد. در مقابل بورژوازی ملی قدیمی بخشا مترقی، این بورژوازی بزرگ جدید در کشورهای نواستعماری ارتجاعی است، زیرا وابسته به سرمایه مالی بین المللی، خود را به آن تابع یا وابسته می کند و تا حدی حتی با آن ادغام می شود. » (ص ۴۸۹)

بر اساس درک ما، این یک پدیده جدیدی نیست، بلکه فرآیندی طولانی می باشد. بورژوازی بزرگ، قدرتمندترین بخش طبقه حاکمه در کشورهای وابسته به استعمار نو آفریقایی- آسیایی- آمریکای لاتینی اگر چه گاهی اوقات ممکن است با سرمایه امپریالیستی شرکت‌های چند ملیتی به منظور غنی سازی مقابله یا معامله کنند، (طبیعت ذاتی و خصلت اصلی طبقاتی این دسته همکاری با امپریالیسم است. بدون شک این بورژوازی کمپرادور، نه تنها عامل امپریالیسم است، بلکه بخش آگاه سرمایه انحصاری ست، و به عنوان شریک پائین دست متحده شده است. به عنوان مثال، ام ال پ د مشخصا برنامه مودی هندوستان را تحت عنوان « اقدامات ساختاری به ویژه ترفیع گسترش انحصارات هند » تفسیر کرده است. (ص ۴۵) اما، تجربه در چهار سال گذشته نشان داده است که این تنها یک پوشش بسیار هوشمندانه به منظور خیانت به منافع ملی و تسلیم نیروی کار کشور و منابع آن به سرمایه امپریالیستی می باشد. آخرین نمونه قورت دادن فلییکارت، بزرگترین خرده فروشی روخط اینترنتی در هند و یکی از بزرگترین سرمایه گذارهای تجارت هند که به وسیله وال مارت و بزرگترین شرکت‌های چند ملیتی آمریکا، مرتبط با «ساخت هندوستان» است، انجام گرفته است. ادامه دارد.

- 1 - Import- Substituting
- 2 - MNC: Multinational Corporation --- ICM: Instituted of Commercial Management
- 3 - Informalization is proposed here as a reference to trends and processes to do with the restructuring of methods of production and of work processes, as well as with culture/s of production and work which are



هرکسی کو دورماند از اصل خویش
بقیه از صفحه آخر

از طریق تلویزیون کشورها در حد میلیارد‌ها انسان، چنان نعره وهلهله و فریادهای پیروزی با وارد کردن توپ تیم طرفدار آنان به دروازه رقیب سر به آسمان کشید و چنان تماشاگران و حتا بازیگران تیم شکست خورده با گریه و زاری و سرافکنده گی میدان بازی را ترک کردند که گوئی حیثیت کشورشان از دست رفته و تنها باگفتن این که این مسابقه تحت سیاست معینی پیش رفت با آه و افسوس از میدانهای جام جهانی فوتبال کم کم بیرون رفتند و به کشور خود باز گشتند. تعداد بازی کنان آسیب دیده در هر تیم به حدی بود که این مسابقات را مشابه آسیب دیدگان جنگ افتاده در میدان نبرد تیمها تبدیل نمود که یا سرپائی و یا ناله کنان با بی حس کردن آسیب دیده و قرار دادن آنها روی تخت روان جهت معالجه از میدان بیرون بردند.

برای نشان دادن این واقعیت نمونه های زیر را به مثابه قطره هائی ازگفته های مربوط به سیاست پیش یردن مسابقات ذکر می کنم: «سامی کدیرا، یکی از مهره‌های اصلی تیم ملی آلمان بود که پس از شکست مکزیک با انتقادات فراوانی روبرو شد.

او به موفقیت تیمش در مصاف سوئد صد درصد باور دارد و پیش از این پیکار سرنوشت ساز گفته است: «ما درک کرده‌ایم که تنها با عملکردی فوق‌العاده می‌توانیم امتحانمان را پس بدهیم». کدیرا از ملی‌پوشان آلمان فراخوانی داد که با روحیه‌ای مانند ۱۱ جنگجو به مصاف سوئد بروند.» (به نقل از دویچه وله فارسی ۲۰۱۸/۶/۲۲)

«یک روزنامه‌نگار سوئدی اما معتقد است که تیم آلمان در حال حاضر دچار بحران است و در برابر تیم کشورش شانسی ندارد. این روزنامه‌نگار حتی بلیت‌های برگشت تیم

آلمان را هم درست کرده و در مصاحبه‌ای با سامی کدیرا می‌خواهد بلیت‌ها را به این هافبک سرشناس آلمان بدهد.»

« اما کارواخال از بازی کنان اسپانیا نظر خود در مورد دیدار با ایران را با صراحت بیان کرد و گفت: «به عقیده‌ی من این فوتبال نیست. این با فلسفه فوتبال همخوانی ندارد. بازیکنان ایران بارها خود را بی‌دلیل به زمین انداختند، حتی در لحظاتی که خطایی هم از طرف ما صورت نگرفته بود.»

دفاع تیم ملی فوتبال ایران مقابل اسپانیا تا دقیقه ۵۴ بازی مقابل حملات ملی‌پوشان اسپانیا ایستادگی کرده بود، تا اینکه دیگو کوستا با گل خود منجی اسپانیا شد.

ناگفته نماند که کارواخال در نخستین دیدار اسپانیا مقابل پرتغال به علت آسیب دیدگی در میدان حضور نداشت و در مصاف با ایران به ترکیب آغازین اسپانیا پیوسته بود. درحالی که این رفتار تنها متعلق به بازی کنان ایران نبود که کمتر اتفاق افتاد، در همه ی تیمها و حتا بازی کنان مشهوری نیز از آن امتناع نکردند.

« با نزدیک شدن به باخت تیم ملی فوتبال آرژانتین مقابل نجریه، بعضی از رسانه‌ها از احتمال کودتای بازیکنان علیه سرمربی آرژانتین خبر داده‌اند» (مهر- ۲۰۱۸/۶/۲۴) روزنامه رکورد پرتغال نوشت: «از مارادونا تا هواداران، از مسی تا سامپائولی هیچکس از عملکرد آرژانتین در جام جهانی راضی نیست. تساوای با ایسلند و باخت به کرواسی باعث شد تا یک جلسه اضطراری قبل از تمرین روز شنبه آرژانتین برگزار شود. شایعات پیرامون اختلاف بازیکنان با سرمربی شکل گرفته است، شایعاتی که هر ساعت بیشتر می شود. شایعات حاکی از این است که بازیکنان خودشان هدایت تیم را در بازی آخر با نجریه در دست خواهند گرفت. فدراسیون آرژانتین این موضوع را رد کرده اما واقعیت همین است.»

ایرنا: «بر اساس بیانیه منتشره توسط فدراسیون فوتبال پرو، «جفرسون فارفان» مهاجم تیم ملی این کشور بدنال آسیب دیدگی از ناحیه سر ناشی از برخورد با هم تیمی خود در جریان تمرینات در بیمارستان بستری شد.»

و بالاخره اشتباه جیمی دورماز- یکی از اعضای تیم فوتبال سوئد- چنان از جانب اعضای «حزب دموکرات سوئد» خارجی ستیز و افرادی دیگر با فرستادن ۴ هزار نامه اینترنتی تهدید آمیز به او و خانواده اش به مرگ روبه روشد که وی مجبور گردید



در جریان حضور کلیه بازی کنان فوتبالی سوئد سوگند یاد کرد که سوئدی است، وفادار به قوانین و پرچم سوئد می باشد و با تمام وجود حاضر به خدمت به آن است تا بتواند دوباره در تیم فوتبال باقی بماند. این چند نقل قول از چند بازی کن فوتبال به مثابه مشتکی از گزارشات خرواری درمورد مسابقه جهانی فوتبال بود که نشانی است از تبدیل مسابقه ی دوستانه ورزشی و نشان دادن مهارت غیر رقابتی و غیر ایجاد از خود بیگانه گی، به میدان رقابت افسارگسیخته ی جهانی در هماهنگی کامل با عمل کرد نظام سرمایه داری جهانی میدل شده است. هم اکنون ما شاهد چنان رقابت بین امپریالیستها هستیم که جهان را بیش از پیش به مرحله ی دست یازیدن به جنگ ضدبشری و کشتارصدها میلیونی رسانده اند و دراین رقابت بنیادا ضدانقلابی و تبدیل هرچه بیشتر توده های مردم به از خود بیگانه گی از هم و انداختن یک دیگر به جان هم، بهترین زمینه را در آماده شدن توده ها به گوشت دم توپ امپریالیستها و مرتجع جهان دست زدن به رقابت جنگی نیز فراهم می کنند.

اگر از نظر تاریخی به درک مسالمت آمیز بودن مسابقات قهرمانی گذشته، نه براساس احساس کور خودخواهانه، ناسیونالیستی و خودمرکز بینی به مراتب ضعیف تر از رقابت جوئی و چشم هم چشمی نظام سرمایه داری بود نگاه کنیم، بلافاصله به این واقعیت می رسیم که نظام کنونی حاکم برجها رقابت جوئی را در درون بشر امری طبیعی، ژنیتیک و ازلی و ابدی معرفی کرده و علیرغم این که دائما می بینیم قهرمانان ورزشی پیوسته ثابت نمانده و تغییر می یابند. امری است که نشان دهنده ی آن است زمینه ی «منم، منم» درکلیه عرصه های فعالیت از نظر علمی گرفته تا عملی اعم از ریاضیات و فیزیک و پزشکی تا ورزشی و هنری در انحصار ملتی نبوده است. رقابت تراشی فقط و فقط ایجاد از خودبیگانگی در فعالیت های اجتماعی و سوء استفاده از آن گذاشته شده است. برای نشان دادن مواضع متضاد بین حاکمان و محکومان نمونه ی مثبت برخورد قهرمانان ایران در عرضه ی کشتنی دوستانه و انسان ساز با برخورد منفی رقابتی که در بالا آمد مقایسه کنیم تا عمق فساد رقابت جوئی را برملا ساریم:

محمود خوارزمی معروف به «پوریای ولی» به علت دید عرفانی داشتن به مثابه کشتنی گیر معروف زمان خود، برای نجات یک خانواده فقیر در مسابقه در هندوستان عمدا با شنیدن گریه و زاری مادری که آرزو

می کرد تا پسرش درمقابل پوریا با شکست روبه رو نشود تا مورد اذیت و آزار و آسیب قرار نگیریم، پوریای ولی باوجود شخصیت معروف جهان پهلوانی، تن به شکست داد تا آن خانواده هندی از سرکوب در امان بماند. غلامرضا تختی برخاسته از خانواده فقیر به دلیل آلوده نبودن به دیدگاه خودخواهانه در عرصه ی پهلوانی ضمن این که با آمدن روی تشک زور آزمائی، توانائی خود را در معرض دید تماشاگران قرار می داد، از آرمانهای جوانمردی و ورزشکاری پهلوان شدن در ایران وارد نبرد می شد. او دید صرفا رقابتی عمل کردن به هر قیمت را نداشت و با الگوی اخلاقی عدالت جویانه و منصف با کسانی که با وی وارد کشتی گرفتن می شد پس از شکست دادن رقیب دوستانه تسلی و هدیه می داد و نه تنها بدون هیچ گونه خدعه قدرت خود را روی تشک کشتی نشان می داد، درآمدش را نیز در خدمت به نیازمندان جامعه قرار داده و به صورت چهره ای مردمی درآمد در حدی که در دهه ی ۱۳۴۰ این پهلوان محبوب در میان مردم و دفاع از آنها، توسط عوامل ساواکی رژیم سلطنتی از پا درآمد. ولی با رشد هرچه بیشتر نظام سرمایه داری در ایران، رقابتها و دشمنی ها رو به افزایش گذاشته شد و حتا ارزشهای زورخانه ای قبلی زیر پا نهاده شد و آرمانهای جوانمردی کم رنگتر گردید.

از آنچه که در بالا آمد، ضرورت پاک کردن روحيات ضد بشر آزادی خواه و برابری طلب در گرو آن است که اگر قرار در نفی رقابت باشد، توده های کارگر و زحمت کش باید با آگاه شدن هرچه بیشتر، ضمن مبارزه در براندازی نظام سرمایه داری متکی بر تمویل رقابت جوئی در میان توده ها در براندازی رقابت حاکمان فاشیست باید لحظه ای درنگ در میان خود شان نکرده و هرگونه رقابت جوئی و خود مرکز بینی و فرقه گرایی را با جسارتی تمام به دور ریخته و وحدت در خدمت به حاکمیت پرولتاریائی که بیش از ۵۰ درصد ساکنان ایران را تشکیل می دهند تلاش کنند تا بدین ترتیب برای رهائی از رقابت و سلطه جوئی مشتکی استثمارگر و ستمگر به پیروزی بزرگی نایل گردند.

ک. ابراهیم

۲۳۴ تیر ۱۳۹۷ (۱۵ ژوئیه

۲۰۱۸)



به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.
org

سایت آینه روز
www.
ayenehrooz.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.
org/01_ranjbar-
online

سایت آرشیو روزنامه
رنجبر
http://www.
yudu.com/li-
brary/16050/
Ayeneh-Rooz-s-
Library



در جنبش جهانی کمونیستی

راه پیمائی سراسری

برای آزادی رفیق آلیک چاکرابورتی

برگرفته از نشریه ستاره سرخ حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست لنینیست) ۸ ژوئیه

در تاریخ پنجم ژوئیه ۲۰۱۸، راه پیمائی سراسری راجبهاوان در بسیاری از ایالات از جمله اودیشا، جهادیسگرا، دهلی، کرالا و غیره برای آزادی فوری و بدون قید و شرط رهبر جنبش مردم بهنگار و حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست) برگزار

شد

در تاریخ ۵ جولای با طرح خواست های آزادی رفیق آلیک چاکرابورتی، قطع سرکوب های دولتی، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و فعالین حقوقی و اجتماعی، سازماندهی شده بود. جلسه تدارکی تظاهرات در محل دمارنا مقابل خانه فرماندار با ریاست مسئول حزبی (در ایالت اودیشا) حزب کمونیست هندوستان (ستاره سرخ)، رفیق سیوارام برگزار شد. به جز اعضای رهبری از مناطق مختلف و بسیاری دیگر از روشنفکران مترقی، فعالان

سیاسی در این اعتراض شرکت داشتند.

۷ نفر از هیئت نمایندگی بحث و گفتگو کرده و بیانیه ای رابه این منظور تسلیم نمودند. احزاب دیگر چون کوتاک، پوری، بهادرک، نایاگادا، جیپور، سندگرغه و دیگر رهبران کمیته های منطقه ای همچنین در این جلسه صحبت کردند. بیش از هزار تن رفقا از ۱۴ منطقه اودیشا در این امر شرکت داشتند.

تظاهرات علیه ظلم و ستم و خشونت دولت در ۵ ژوئیه در ریپور.

رفقا، با فشار جناح اصلی دولت مرکزی و

پایه در صفحه ۱۱

پایه در صفحه ۱۲

در مورد ظهور انحصار های کشورهای استعمار نوین- (قسمت دوم)

« انحصارات ملی استعمار نوین از لحاظ اقتصادی سیاسی بقدر کافی قوی نبودند که بتوانند از زیر سایه انحصارات بین المللی کشورهای امپریالیستی بیرون بیایند.» (ص ۱۹) پس از آن دگرگونی صورت گرفت. در میان موارد دیگر، ام ال پ د اظهار می دارد: « با رشد قوی ترین در میان آنها، همیشه در حال افزایش عدم تعهد آنها از انحصارات بین المللی خارجی و شروع صدور سرمایه خود آنها با التزام به استفاده از محدوده استقلال سیاسی رسمی و

ام ال پ د ظهور انحصارات در کشورهای وابسته یک پدیده بسیار جدید است. همانطور که در نوشته اخیر استفان انگل در اینجا نقل قول کردم، تزییرملا کننده ی گذار کشورهای وابسته استعمار نوین به کشورهای جدید امپریالیستی بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ صورت گرفت. و تا آن زمان، « آنها هیچ استقلال سیاسی نداشتند.» این تئوری آشکاری که کشورهای جدید امپریالیستی از اوایل این قرن استقلال سیاسی به دست آوردند نیز در این جا آمده است! تا آن زمان،

ام ال پ د، شکل گیری انحصارات در کشورهای نو استعماری را به طور تنگاتنگی با فرمولبندی « صدور سرمایه » ربط داده و ظهور کشورهای از نظر استعمار نوین وابسته را به عنوان پایه ای قوی (برای ظهور) کشورهای جدید امپریالیستی معادل تشخیص می دهد. ام ال پ د می گوید: « سازماندهی مجدد تولید بین المللی از دهه ۱۹۹۰، روند تشکیل انحصارات داخلی در کشورهای وابسته از نظر استعمار نوین را بسیار سریع کرد.» به عبارت دیگر، از نظر

هرکسی کو دورماند از اصل خویش هم ره نا اهل خود گردد ز نیش!

پیش رفته ی فوتبال و درعین حال به وجود آوردن صمیمیت و دوستی متقابل شرکت کننده گان، در جریان مسابقه دوبه دوی تیمهای مشخص شده در ۴ گروه از ۸ تیم، به رقابت افسارگسیخته و تبدیل مسابقه دوستانه به جنگ رو در رو به منظور غلبه بر تیم رقیب در حد برخی محدودیتهای بازی، بدون استثناء جریان یافت. درحدی که نه تنها در میان شرکت کننده گان تماشاگرمستقیم و یا

تیمها در استادیومهای شرکت کننده مدافع گلابدیاورهای خودی و از طریق تلویزیونی در کشورهای مختلف طی یک ماه شروع مسابقه آغاز شد. و امروز بعد از حذف یک دیگر بالاخره یکی از دو تیم گلابدیاور فرانسه یا کروآسی «قهرمان» جهان لقب خواهد گرفت!

این مسابقه ی ورزشی جهانی بازی زیبای فوتبال، به جای ارائه ی مهارتها و فنون

بازی جهانی فوتبال سازمان یافته توسط فیفا (فدراسیون بین المللی مجامع فوتبال) از ۱۴ ماه ژوئن تا ۱۵ ماه ژوئیه ۲۰۱۸ (۲۴ خرداد تا ۲۴ تیر ۱۳۹۷)، باشکرت ۳۲ تیم برتر از ۴ قاره در روسیه با سلام و صلوات نعره های ناسیونالیستی و تربیت آنان به مثابه گلابدیاورهای مدرن در پناه ناسونالیسم افراطی گرداننده گان این بازی، گرد هم آمدند و تماشای بازی جنگی این

پایه در صفحه ۱۴

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.org@gmail.com
آدرس غُرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org